

تطور مفهومی رصد فرهنگی

موسی عنبری

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

مهر ماه ۱۳۸۸

SCCcr:ii

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

SCCRi!

موسیٰ عنبری
تطوّر مفهومی رصد فرهنگی/موسیٰ عنبری-مرکز مطالعات راهبردی-تهران: دبیرخانه شورای عالی
انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۷.
۸۷ صفحه؛ (مرکز مطالعات راهبردی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۴۵. کتاب وزیری؛ ۲)
عنوان لاتین:
The Conceptual Evolution Genealogy of Cultural Monitoring
شابک:
چاپ اول- مهر ۸۸
کد اطلاعاتی مرکز: ۰۰۶۲ / ۲ / ۸۸ پ ۱۲۲



تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین شمالی، پلاک ۱۰۱، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی،
مرکز مطالعات راهبردی
تلفن: ۶۶۴۱۹۶۴۱
کد پستی: ۱۴۱۵۵۱۶۳۱۷
نمابر: ۶۶۹۷۴۵۳۷
صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۴۶۹۱
نشانی اینترنتی: www.iranculture.org
پست الکترونیکی: m.m.rahbordi@gmail.com

عنوان: تطوّر مفهومی رصد فرهنگی
مولف: موسیٰ عنبری
موضوع: آموزش و پژوهش

ناشر: مرکز مطالعات راهبردی
ناظر چاپ: معاونت پشتیبانی پژوهشی

چاپ اول- مهر ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
مدیریت تولید:
لیتوگرافی و چاپ:

مطالب این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز مطالعات راهبردی نمی‌باشد.

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

«فهرست مطالب»

۱ مقدمه
۳ گفتار اول- زمینه و تطوّر مفهومی
۴ رصد
۹ فرهنگ
۱۶ رصد فرهنگی؛ شان ترکیب
۲۳ تحلیل برداشت‌های موجود
۲۹ گفتار دوم- سازوکارهای رصد
۳۲ ۱- رصد به مثابه روش
۳۲ ۱-۱- روند پژوهی
۴۱ ۲-۱- تصمیم پژوهی
۴۳ ۳-۱- آینده پژوهی
۴۶ ۲- رصد به مثابه هدف
۴۹ ۲-۲- بعد دینی
۵۳ ۲-۲- بعد مدنی
۶۴ ۲-۲- بعد ملی
۶۶ ۲-۲- بعد عقلانی
۷۳ گفتار سوم- نتیجه‌گیری
۷۷ منابع و مآخذ

SCCcr:ii

مقدمه

نزدیک به ده سال است که موضوعات «رصد فرهنگی» و «مهندسی فرهنگی» در گفتارها و نوشتارها، خاصه در نهادهای فرهنگی مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند. این مقولات به‌طور واضح از اهداف و برنامه‌های مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و در گفتارهای مسئولان فرهنگی کشور و برخی مطالعات پژوهشی پیگیری شده‌اند؛ مهم‌تر از همه اینکه در بیانات مکرر رهبر انقلاب نیز دیده می‌شوند.^۱ پرسش این است که دلیل تأکید مسئولان سازمان‌ها و پاره‌ای از محققان حوزه فرهنگ بر این موضوعات چیست؟ مراد و منظور ایشان از طرح و تفکیک چنین مفاهیمی چیست؟ چه ابعاد و ویژگی‌هایی برای این مفاهیم متصور بوده‌اند. نکته و پرسش دیگر اینکه با وجود اهتمام مسئولان به این مقولات، چرا سرعت حضور این مفاهیم در ادبیات دانشگاهی و درسی کُند بوده و بیشتر در سطح گفتارها و پژوهش‌های سازمانی به‌ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی باقی مانده است؟ باید دلایل این موضوع را بررسی کرد.

واقعیت این است که موضوع فرهنگ و مدیریت آن در کشور، گفتمان مبسوطی یافته و ادبیات گسترده‌ای به خود اختصاص داده است. اساساً مهم‌ترین آرمان‌ها و منویات انقلاب اسلامی، احیاء و تقویت عناصر فرهنگی اسلامی بوده است. تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی و مهم‌تر از همه ستاد و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی بازنمای این امر است.^۲ این نهاد، مسئول اصلی تصمیم‌پژوهی و تصمیم‌گیری فرهنگی در کشور محسوب می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) برای این نهاد، نقش مهم گسترش مظاهر فرهنگ اسلامی و زدودن فرهنگ غربی در دانشگاه را می‌دید.^۳ حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، تا سال ۱۳۷۵، در بیانات خود بیشتر بر موضوعات و مضامین فرهنگی لازم‌الاجرا در دانشگاه‌ها و جامعه توسط دستگاه‌های فرهنگی به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید داشته

۱- این موضوعات با همین عناوین، از سال ۱۳۸۰ به بعد جزو مقولات مورد تأکید رهبر انقلاب در نشست‌های مختلف با مسئولان نهادهای فرهنگی کشور بوده است.

۲- ر.ک. به فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی توسط حضرت امام خمینی (ره).

۳- ر.ک. حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۶۰ و ۱۳۶۲)، بیانات، ۱۳۶۰/۳/۲۳، ۱۳۶۲/۷/۱۲.

است^۱. اما از سال ۱۳۷۵ به بعد سخنان ایشان ضمن اشاره به موضوعات متعدد فرهنگی فوق، به‌طور مؤکد و مکرر بر مقولات «مدیریت»، «رصد» و «مهندسی فرهنگی» متمرکز است^۲. مفهوم رصد فرهنگی نیز از این سلسله گفتارها (از سال ۱۳۷۵ به بعد) پا گرفته و در ادبیات فرهنگی وارد شده است.

هدف این نوشتار، تعریف، تحدید و ترسیم ابعاد مفهوم رصد فرهنگی با استناد به مجموعه تعاریف موجود در گفتارهای مسئولان (خاصه منویات رهبر انقلاب اسلامی) و پژوهش‌های علمی انجام شده است. این طرح به تفصیل و تشریح نظرها و دیدگاه‌ها نمی‌پردازد؛ بلکه به تلخیص و تجمیع آنها تا رسیدن به نظری واحد می‌اندیشد.

این نوشتار منبعی پشتیبان برای تعریف مفهوم رصد فرهنگی است و حاوی مضامین زیر خواهد بود:

- ۱- خاستگاه و پیشینه مفهوم رصد؛
- ۲- فضای شکل‌گیری و شأن ترکیب رصد فرهنگی؛
- ۳- بررسی و نقد تعاریف ارایه شده از این مفهوم؛
- ۴- بررسی جایگاه و نفوذ این مفهوم در ادبیات و فضای علمی و فرهنگی کشور؛
- ۵- تشریح ابعاد و بیان مؤلفه‌های کلان این مفهوم.

برای پاسخ به این پرسش‌ها، از طرح مفهوم رصد و خاستگاه آن آغاز می‌کنیم. بعد از تعریف، توضیح داده خواهد شد که از ترکیب این مفهوم با مقوله فرهنگ، مفهوم دیگری خلق خواهد شد که مقتضیات، ابعاد و عناصر خاص خود را دارد. در بخش پایانی نوشتار، شاخص‌های کلان و میانی قابل رصد در حوزه فرهنگ بیان می‌شوند.

۱- بررسی سخنان ایشان نشان می‌دهد که الگو، ارزش‌ها و ظواهر دینی، مقابله با تهاجم فرهنگی، فرهنگ کار، روحیه انقلابی نسل جوان، فرار مغزها و... از جمله موضوعات مهم گفتار ایشان بوده است. برای بررسی بیشتر، به بیانات ایشان در دیدارهای مختلف با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مراجعه شود.

۲- برای بررسی بیشتر رک. بیانات رهبر انقلاب در دیدارها و جلسات متعدد با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، کتابخانه و مرکز اسناد دبیرخانه شورای عالی.

گفتار اول

زمینه و تطوّر مفهومی

SCCR

برای بررسی پیشینه و ابعاد «رصد فرهنگی»، نخست باید این مفهوم را تجزیه و اجزاء آن را تعریف کرد، سپس با تلفیق آن‌ها، مفهوم اصلی را تعریف کرد. «رصد فرهنگی» ترکیبی وصفی مشتمل بر دو مفهوم است که معانی و مضامین هریک دارای اهمیت هستند. قبل از آنکه تعریف این ترکیب بیان شود، باید از معانی متمایز موصوف و صفت آن سخن گوئیم. در سطور ذیل، زمینه‌ها و تحولات مفهومی دو واژه «رصد» و «فرهنگ» را بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی شأن این ترکیب می‌پردازیم:

رصد

در ادبیات مطالعات فرهنگی، صفت ترکیب یاد شده (یعنی لفظ فرهنگی)، برای همگان شناخته شده و با انباشته‌ای از تعاریف و توصیفات همراه است. اما آنچه در این گفتمان، بدیع و ناشناخته است، موصوف ترکیب وصفی یعنی «رصد» است. بی‌گمان، این مفهوم مانند بسیاری از مفاهیم دیگر در حوزه‌های مختلف، محدوده معنایی خاصی دارد که باید شناخته شود. باید پرسید که الحاق این واژه به صفت «فرهنگی»، چه معنا و مضامینی را برای مطالعه حوزه فرهنگ اقتضا می‌کند. برای پاسخ دادن به پرسش، نخست به‌طور گذرا، راجع به معانی واژه رصد بحث می‌کنیم و سپس در مورد دلایل و اهداف کاربرد آن در حوزه فرهنگ توضیح می‌دهیم.

واژه «رصد» بر معانی و اعمال متعددی دلالت دارد که بسته به زمینه کاربرست آن تفاوت دارند، اما در کل معنا و مضمون مشخصی را به ذهن متبادر می‌سازند. کاربرست‌های معنایی صورت گرفته حول واژه «رصد»، همسو و مکمل یکدیگرند و می‌توان تمام آنها را با وجود تفاوت‌های ظاهری، از یک خانواده دانست. برای فهم زمینه مفهومی این واژه، باید به فرهنگ‌های واژگان از گذشته گرفته تا معاصر و آثار نویسندگان، حکما، دیوان‌های شعرا و دیگر آثار نگاشته‌شده پیرامون علم نجوم مراجعه کرد و نسبت به کاربردهای آن شناخت بهتری به‌دست آورد.

در «فرهنگ معین»، ذیل مفهوم رصد چنین آمده است:

«نظر دوختن به چیزی، مترصد بودن، چشم داشتن چیزی را، مراقب، نگهبان، راه، طریق، نظارت و مراقبت»^۱.

در «فرهنگ بزرگ سخن» نیز در تعریف و معنای کلمه رصد چنین آورده شده است:

«عمل مطالعه و مشاهده اجرام سماوی و پدیده‌های آسمانی از نظر حرکات و مواضع و خواص آنها»^۲.

علامه دهخدا با استناد به متون متعدد، توضیح جامع‌تری درباره رصد بیان کرده است. در لغت‌نامه شهیر دهخدا برای مفهوم رصد سه معنا و کاربرد ذکر شده است:

۱- معنا و کاربرد مصدری آن که به معنای چشم داشتن، مراقبت و کمین گذاشتن است.

۲- کاربرد اسم فاعلی آن که به معنای گروه چشم‌دارنده و نظرکننده است.

۳- کاربرد مکانی آن که به معنای عمارت، مکان و سرزمین و اقلیم است.

در این لغت‌نامه، در شرح مفهوم رصد چنین آمده است:

«به اصطلاح نجوم چوتره‌ای که بر قله کوهی سازند و هفتصد گز اقلان بلندی آن باشد و منجمان بر آن نشسته، احوال کواکب معلوم کنند و هودل نیز گویند... چوتره‌ای باشد به ارتفاع هفتصد گز که بر تیغ کوهی شامخ بندند و بدان حکیمان و منجمان نشینند و طلوع و غروب ستارگان و اسرار کواکب را معاینه و مشاهده‌کننده و چوتره را مناره گویند. رصد چنان باشد که در صحرا بر گریوه‌ای که در غایت بلندی باشد سطح آن را هموار کرده بر آن سطح دو قصر مقابل یکدیگر بنا کنند روی یکی بسوی مشرق و روی دیگر به مغرب و در میان هر دو قصر فاصله به قدر چهار ذراع بود و طول هر یکی از این

۱- ر.ک. فرهنگ لغت معین، واژه رصد.

۲- ر.ک. «فرهنگ بزرگ سخن» فارسی، واژه رصد.

دو قصر چهارصد گز باشد و بلندی هر دو قصر صدگز بیشتر. در تواریخ ولایت‌نامه مسطور است که در ملک فرنگ، «رصد» عمارتی باشد که ارتفاعش هزار دست و چاه زیرینش پانصد دست خواهد بود مدور و شمن از سنگ ترتیب یافته و طبق‌های متعدد ساخته و بر سر گنبد بالای آن پرکاله شیشه نهاده و در میان هر طبقه سوراخی مدور مقدار یک انگشت می‌سازند که روشنی آفتاب از بالای طبق‌ها تا به ته چاه نمایان باشد و در میان طبق‌ها جا به جا کتاب‌های علم هیئت و تنجیم نهاده باشد. حکما با رفتن به بالای آن به وسیله شیشه‌های دوربین‌های کلان احساس بروج و سیاره‌ها نمایند. چاهی عمیق که علمای هیأت حفر کنند؛ داخل آن شوند و به آسمان می‌نگرند تا چگونگی مسیر و حرکت نجوم و ثوابت را یادداشت کنند و آن را زیچ می‌گویند و سال به سال از آن تقویم استخراج کنند.^۱»

واژه «رصد» در زبان عربی نیز کاربرد دارد. این واژه در سه معنی به کار برده می‌شود، یکی به معنای حصّه و بهره است که معرّب رسد فارسی است. دوم به معنای راست و مستقیم به کار برده می‌شود و سوم به معنای مراقبت کردن و کمین نهادن است.^۲ درک رایج از رصد همین دلالت سوم است.

رصد و مشتقات آن در آیات شریفه قرآن کریم نیز آمده است که بار معنایی یکسان و مشابهی دارند. براساس آنچه که محققان الفاظ قرآنی آورده‌اند، «الرّصد» در قرآن کریم به معنای آمادگی برای مراقبت و دیده‌بانی^۳، مراقبت کردن و چیزی را در نظر گرفتن (کمین کردن) و نیز نگهبان و مراقب (کمین‌کننده) آمده است.^۴ در زیر چند مورد از نحوه کاربست این واژه در قرآن کریم آمده است:

۱- فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا: اما هر کس اکنون گوش بسپارد، شهابی را در کمین خود یابد؛^۵

۱- ر.ک. لغت‌نامه دهخدا، واژگان رصد، رصدگاه و رصدبندی.

۲- ر.ک. قرشی، ۱۳۵۲، ج ۳؛ لغت‌نامه دهخدا، واژه رصد.

۳- ر.ک. راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲.

۴- ر.ک. قرشی، ۱۳۵۲، ج ۳.

۵- سوره مبارکه جن، آیه ۹.

- ۲- فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا: که برای نگهبانی از او، پیش روی و پشت سرش نگهبانی است؛^۱
- ۳- إِنْ رَبِّكَ لَبَالْمِرْصَادِ: زیرا پروردگارت به کمینگاه است؛^۲
- ۴- وَ خُذُوهُمْ وَ اخْضُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ: بگیرید و به محاصره درآورید و در همه جا به کمیشان نشینید؛^۳
- ۵- إِنْ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا: همانا جهنم کمینگاهی است؛^۴
- ۶- وَ اِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلِ: برای آماده کردن جهت کسی که با خدا و رسولش جنگیده است.^۵

در ادبیات فارسی یا به زبان ساده‌تر، دیوان شعرا و نویسندگان نیز واژه رصد دیده می‌شود. در بیشتر اشعار، رصد در معنای نظارت، دیدن و مراقبت به کار گرفته شده است. برای مثال در ابیات زیر از «خاقانی» رصد در معنای نگهبان، مطالعه و نظارت آمده است:

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱- از رصدها سیزده سال دگر | خسف بادی در جهان دانسته‌اند |
| ۲- رصد روز و شب چه می‌باید | که ندارد ره کرم گردی |
| ۳- غم زلب باج نفس می‌گیرد | عمر در کار رصدها چه کنم |
| ۴- شام و سحر هست رصدها عمر | زین دو رصد خط امان کس نیافت |
| ۵- چند رصدگاه دل بر ره دل داشتن | چند قدمگاه پیل بیت حرم ساختن |
| ۶- ای حکیمان رصدها خط احکام شما | همه یاوه است و شما یاوه سراپید همه |
| ۷- در این رصدگاه خاکی چه خاک می‌بیزی | صد کاروان درد معین درآورم ^۶ |

در اشعار ذیل از مولوی نیز مفهوم رصد، به معنای دیده‌بانی و بررسی آمده است:

-
- ۱- سوره مبارکه جن، آیه ۲۷.
- ۲- سوره مبارکه فجر آیه ۱۴.
- ۳- سوره مبارکه توبه، آیه ۵.
- ۴- سوره مبارکه نبا، آیه ۲۱ / توضیح: الفاظ مرصد - المرصاد: هر دو اسم مکان‌اند و با اندک اختلافی به معنای کمینگاه می‌باشند. (ر.ک. قرشی، ۱۳۵۲).
- ۵- سوره مبارکه توبه، آیه ۱۰۷.
- ۶- ر.ک. دیوان خاقانی.

- ۱- رو بپرس آن کاروان را از رصد کز کدامین شهر ایدر می‌رسد
 ۲- روز و میلادش رصد بندیم ما تا نگردد فوت و نهجد این قضا
 ۳- وان دگر گفتی که سحر است و طلسم که رصد بستست بهر جان و جسم^۱

در اشعار زیر از نظامی گنجوی نیز این مفهوم با مضامین بالا آمده است:
 ۱- چو واجستیم از آن صورت که حال است رصد بنمود کاین معنی محال است
 ۲- شناسایی که انجم را رصد راند از آن تخت آسمان را تخته برخواند

با بررسی معانی و نحوه کاربرد آن در اشعار و گفته‌ها، آشکار می‌شود که این مفهوم بیشتر در علم نجوم کاربرد داشته است. به همین دلیل در تعریف آن بیشتر مصادیق عمل آن ذکر می‌شود. بنا به گفته‌ها، «رصد نزد منجمان عبارت است از نظرکردن در احوال اجرام علویه به آلتی مخصوص که حکما به جهت آن غرض وضع کرده‌اند تا بدان آلت دانسته شود مواضع ستارگان در فلک و مقدار حرکت آنها در طول و عرض و ابعاد آنها از یکدیگر و از زمین؛ و بزرگی و کوچکی اجرام و آنچه بدان ماند و فایده رصد آن است که اگر در مواضع کواکب در ایام حالی ظاهر شود آن را صاحب رصد درست کند تا در استخراج خطا واقع نشود، چه اگر یک درجه تقویم کوکبی خطا باشد یکسال در سیرات تفاوت شود و اگر یک دقیقه خطا افتد شش روز تفاوت شود»^۲.

پروفسور کارلو الفونسو نالینو در کتاب خود، «تاریخ نجوم اسلامی» می‌نویسد:
 «اعراب بیابانی نیاز شدیدی به شناختن ستارگان ثابت بزرگ و وقت برآمدن و فروشدن آنها داشتند، چه بسا اتفاق می‌افتاد که شبانگاه ناگزیر از پیمودن صحراهای بی‌آب و علف می‌شدند، و تنها از طریق ستارگان می‌توانستند راه خود را بیابند، و اگر چنین نبود لشگریان و کاروان‌هایشان در میان تپه‌های شن و بیابان‌ها، بیچاره، گمراه و هلاک می‌شدند... اعراب نسبت به ماه و ستارگان توجه فراوان داشتند، ایشان... به ماه انس داشتند، چه در نور آن به داستانسرایی می‌نشستند، و در سفرهای شبانه راهنمای ایشان بود و وحشت

۱- ر.ک. مثنوی معنوی، مولوی.

۲- ر.ک. دهخدا، لغت‌نامه، منقول از تاریخ تمدن اسلامی، جرجی زیدان، ج ۳، ص ۱۹۱.

تاریکی را از ایشان می‌زدود، و می‌چ هر کس را که شب هنگام در صدد آزدن ایشان بر می‌آمد باز می‌کرد» (نالینو، ۱۳۴۹: ۴-۱۴۳).

شواهد و قرائن نشان می‌دهد که رصد کردن فقط با مقاصد صرف علمی انجام نمی‌شده؛ بلکه در خدمت رفع نیازهای روزمره و مشکلات زندگی افراد نیز بوده است. بنابراین رصد فقط در خدمت علم ستاره‌شناسی نبوده، بلکه با این عمل، اهداف دیگر زندگی اقتصادی و اجتماعی افراد تأمین می‌شده است. در قرآن کریم نیز شناسایی ستاره‌ها، ماه و خورشید، راهنمایی برای فعالیت‌های دیگر زندگی انسان‌ها ذکر شده است.^۱

به‌طور کلی با توجه به مباحث بالا می‌توان گفت رصد نوعی پایش، نظارت و مراقبت از یک پدیده است. از نظر مصداق عمل نیز، روش شناسایی اجرام آسمانی و حرکات ستارگان بوده است.

فرهنگ

در ترکیب وصفی «رصد فرهنگی»، موصوف ترکیب از معانی متعدد دارد. گستردگی معنایی و شمول مفهوم فرهنگ سبب شده است که گاهی بتوان همه چیز را در زیرمجموعه آن قرار داد. بنابراین باید در انتخاب هر نوع تعریفی از فرهنگ، «ربط تعریف» با موضوع مطالعه (موضوع کار) را در نظر داشت (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح ساماندهی امور فرهنگی، ۱۳۸۰: ۲).

از مفهوم فرهنگ تعاریف متعددی در دست است و در دسته‌بندی تعاریف نیز به دسته‌های زیادی بر می‌خوریم (آشوری، ۱۳۵۷: ۷؛ لیتون، ۱۹۳۶). «ای. بی.

۱- ... هو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى ظلمات البرّ و البحر» (سوره انعام، آیه ۹۷): ... اوست که نور ستارگان را برای راهنمایی شما در تاریکی‌های بیابان و دریا قرار داده است؛
-...هو الذى جعل الشمس ضياءً والقمر نورا، و قدرة منازل لتعلموا عدد السنين والحساب» (سوره یونس، آیه ۵):
... اوست که آفتاب را درخشان و ماه را تابان کرد و سیر آنها را در منازل معین ساخت تا شما تعداد سال‌ها و حساب ایام را بدانید.

جی. تایلر» مردم‌شناس در اثر خود به نام فرهنگ بدوی، فرهنگ را در معنای وسیع قوم‌نگارانه آن، کلیتی پیچیده شامل معرفت، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و سایر قابلیت‌ها و عاداتی می‌داند که انسان به مثابه عضوی از جامعه کسب می‌کند (تامپسون، ۱۳۸۰: ۱۵۳-۱۵۱). مالینوفسکی نیز در سال‌های ۱۹۳۰ با رهیافت کارکردگرایانه، فرهنگ را مجموعه‌ای متشکل از دست‌ساخته‌ها، کالاها، فرایندهای فنی، اندیشه‌ها، آداب و ارزش‌های موروثی، واقعیتی منحصر به فرد تعریف کرد که بایستی به شیوه خاص مورد مطالعه قرار گیرد (مالینوفسکی، ۱۳۷۹).

بدون تردید، تعاریف نخستین از فرهنگ، از بنیان بر جوانب مردم‌شناختی و کل‌گرایانه آن تأکید داشتند، اما از اوایل قرن بیستم، تعاریف جامعه‌شناختی فرهنگ بر تعاریف مردم‌شناختی آن غلبه پیدا می‌کنند. در تلاش‌های جامعه‌شناختی، اساساً فرهنگ در تقابل با حوزه‌های دیگر تعریف می‌شود.

از این منظر، عملکردهای انسانی به سه دسته عملکردهای جسمی^۱، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی^۲، عملکردهای فکری و زیباشناختی تقسیم می‌شوند و فرهنگ بر یک بُعد از این فعالیت‌ها یعنی بُعد سوم شامل توانایی مواجهه با مشکلات زندگی، شکوفایی توان فکری بالقوه از طریق مشارکت در پیشرفت دانش، شکوفایی توان زیباشناسی و مشارکت در رویدادهای زیباشناختی تأکید می‌کند. تا به حال مسلط‌ترین منظر به فرهنگ، رویکرد اقتصادی بوده است. این منظر، تابع منطق کمیابی، اصل روبنایی و سپس غیرمولد بودن فعالیت‌های فرهنگی را مورد تأکید قرار داده است و ادعا می‌کند که به دلیل غیرمولد بودن فرهنگ، باید به‌طور موقت یا به عنوان قاعده، متأخر از فعالیت‌های اقتصادی باشد و به تعویق بیفتد^۳.

۱- شاخص‌های بقا، امید به زندگی، تغذیه، مسکن و بهداشت و... را در بر می‌گیرد.

۲- امنیت شخص، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی، مصونیت در برابر تبعیض‌ها، زندگی بدون احساس شرمندگی، خلاقیت، آزادی‌های سیاسی از مصادیق این نوع عملکردند.

۳- مهم‌ترین نظر در این زمینه مطالعه ویلیام بومول [W. Baumol] استاد اقتصاد دانشگاه نیویورک است که پس از مرگ آنها به قانون بومول یا بیماری بومول معروف شد. در تحلیل بومول و بوین، فعالیت‌های فرهنگی، به ناچار، کارکرد تولیدی کاملاً بسته‌ای دارند؛ زیرا در آنها، برخلاف فعالیت صنعت، نمی‌توان اصل جایگزینی کار و سرمایه را مطرح کرد. این بخش فرهنگی و هنری رشته‌ای است، کاربر که نیروی کار بسیار ماهر آن نمی‌تواند بهره‌وری خود را افزایش دهد و تنها می‌تواند به صورت حاشیه‌ای و مختصر، سودی از تولید هنری در سطح اداری و مدیریت به‌دست

تردیدی نیست که نیازهای مادی اولویت اول انسان‌ها را تشکیل می‌دهد، ولی اگر رفع نیازهای مادی «امکان زیستن» و شرایط بودن انسان را فراهم می‌سازند، فعالیت‌های فرهنگی جامعه، «نوع زیستن» یا به تعبیر دیگر «چگونه زیستن» آدمیان را تعیین می‌کنند. از این منظر، شرط کافی انسانی زیستن آدمیان، ظهور و تأمین شرایط فرهنگی زیست آنهاست. با این استدلال، دیگر تأمین شرایط مادی زیست یا امکان زیستن «امری قائم به ذات» تعریف نمی‌شود. امکان زیستن اگر چه شرط لازم برای زیست فرهنگی انسان‌هاست، اما در رابطه یک‌سویه با آن قرار ندارد. امکان زیستن متأثر از چگونه زیستن یا شاخص‌های فرهنگی است. ادبیات امروزی موسوم به مطالعات فرهنگی ناظر بر همین مدعاست. مهم‌ترین انتقادات بر جامعه سرمایه‌داری و مدرنیته، از منظر فرهنگ صورت گرفته‌اند. تشکیک و توهم نسبت به روایت‌های بزرگ^۱، و توجه و تأکید بر روایت‌ها و دانش محلی، فراخوان مقاومت در برابر گفتمان اقتصادی و دستوری حاکم از سوی متفکران معروف به پست مدرن خاصه لیوتارد^۲ (۱۹۹۱) و فوکو^۳ (۱۹۸۰)، تأکید بر ارزش‌های فرامادی و فرهنگ مدنی و سیاسی (اینگلهارت، ۱۳۷۳)، همگی نشانگر رهایی از تلقی‌ات تقلیل‌گرایانه و بازتابی از فرهنگ، به سوی مفاهیم گفتمان و فرهنگ است. گفتمان گشت یا چرخش فرهنگی^۴ نیز برآیند انتقادات و شرایط فوق و اهمیت عناصر فرهنگی در تحولات اجتماعی است.^۵ چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی درصدد ادغام حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی در درون یکدیگر است (بنت^۶، ۲۰۰۰: ۱). نکته بارز در این چرخش، تعاملی است که فرهنگ با سایر ابعاد جامعه مانند سیاست، اقتصاد،

آورد. در تحلیل بومول، فرهنگ سربار فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود و تا حد چیزی تجملی تنزل می‌یابد. آنچه امروزه اقتصاد فرهنگ نامیده می‌شود بر این تحلیل استوار است (ر.ک. دوپوئی، ۱۳۷۴: ۵۹-۵۶).

1- Grand narratives

2-Liyotard

3-Foucault

4- Cultural turn.

۵- در تشریح بیشتر این موضوع گفته است که «این مقوله چرخشی از اقتصاد به سوی گفتمان و فرهنگ را نشان می‌دهد... چرخشی از ماتریالیسم به سوی گفتمان است ... این مفهوم پایان تلقی‌های ماتریالیستی از نژاد و جنسیت است» (سایر و ری، ۱۹۹۵: ۶-۵).

6- Bennet

اجتماع و سایر ابعاد پیدا کرده است. سابق بر این، فرهنگ، نحیف و آسیب‌پذیر بود و حتی در منازعه برای استیفای حق خود شکست می‌خورد. اما در حال حاضر فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی چنان به هم نزدیک شده‌اند که تمیز آنها کاری دشوار است. گاهی این فعالیت‌ها آن قدر درهم تنیده شده‌اند که می‌توانیم (یا باید) نامی واحد برای آنها انتخاب کنیم.

به هر حال باید به دنبال تعریف و تمیز فرهنگ از سایر حوزه‌ها بوده و ملاکی برای تمایز مشخص کرد. تعریف رسا و قابل استنادی که می‌تواند فرهنگ را از سایر فعالیت‌ها جدا کند، تعریفی است که صاحب‌نظران چرخش فرهنگی مانند آندرو سائر^۱، دیوید چینی^۲ و استیوارت هال^۳ مشخص کرده‌اند.^۴ ایشان مدعی‌اند که اگر بخواهیم فرهنگ را با معیارهای عینی موجود از اقتصاد جدا کنیم، با مشکل روبرو می‌شویم. زیرا در مفهوم اقتصاد جلوه‌ای از فرهنگ یافت می‌شود. هر کنش، زمانی فرهنگی است که نفس کنش را هدف تلقی کنیم. به عبارت دیگر کنش فرهنگی فعالیتی است که عمل آن فی‌نفسه هدف محسوب می‌شود، در صورتی که در حوزه‌های دیگر، کنش خود ابزاری برای رسیدن به هدف دیگر است. از این منظر در کنش فرهنگی، از فاصله میان کنش و هدف یا فاصله میان ابزار و هدف کاسته می‌شود و حتی باید از بین برود. در اقتصاد و سیاست اینگونه نیست، خود کنش ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دیگر است (سائر و ری، ۱۹۹۰).

1- A. Sayer.

2- D. Chaiy.

3- S. Hall.

۴- در کنار تعریف این محققان، تعریف گروه دیگری مورد اعتنا و تأمل بوده است. این گروه که فرهنگ را فرایند معناسازی می‌خوانند بر قدرت نمادسازی انسان تأکید دارند و دریافت و تعریفی نمادین از فرهنگ را کانون توجه قرار داده‌اند. این دریافت از فرهنگ در سال‌های ۱۹۴۰ توسط ال. جی. وایت [L. J. White] در کتاب علم فرهنگ [Science of Culture] مطرح شد. او با این مقدمه که استفاده از نمادها یا نمادسازی، ویژگی ممتاز بشر است، استدلال می‌کند که فرهنگ نام طبقه‌ای از پدیده‌ها و رویدادهایی است که به اعمال و توانایی ذهنی بستگی دارند. این اعمال ویژه گونه‌های انسانی‌اند و می‌توان آنها را گونه‌ای نمادسازی دانست. گیرتز [Geertz] در رویکردی تفسیری، فرهنگ را الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفته‌ها و هرگونه مقوله معناداری می‌داند که افراد به واسطه آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در دریافت‌ها، تجارب و باورها با هم شریک می‌شوند (تامپسون، ۱۳۷۸: ۱۶).

5- Ray

در ادبیات ایرانی، هنگامی که از فرهنگ سخن گفته می‌شود، دو معنای عام و خاص فرهنگ مورد نظر است. غالب تعاریف از فرهنگ، بر بُعد عام آن تاکید دارند. در معنای محدود و خاص سخن بر سر شاخص‌هایی است که در تجربه مورد سنجش قرار می‌گیرند! غالب تعاریف از فرهنگ بر بعد عام آن تاکید دارند. در معنای محدود و خاص سخن بر سر شاخص‌هایی است که در تجربه مورد سنجش قرار می‌گیرند.

در معنای کلی و عام، فرهنگ به معنای بینش و منش هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی تعریف شده و از آن به منزله فرآورده عالی ذهن و فرایند پیچیده و پیشرفته فکر آدمی یاد شده و کلیتی به هم‌پیوسته از باورها، فضایل، ارزش‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال جامعه است. این تعریف از فرهنگ معطوف به ساخت و تحول کیفیت زندگی جامعه است. در آثار اندیشمندان و نهادهای فرهنگی در ایران، چنین تعریفی از فرهنگ بیشتر دیده می‌شود. اگر به بیانات متعدد امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز مراجعه شود، دیده می‌شود که در تعریف ایشان نیز، معنای عام و کلان فرهنگ، برجسته و نمایان است. از منظر ایشان فرهنگ، هادی، جهت‌دهنده و هویت‌دهنده به انسان و رفتارهای مختلف او در مسیر زندگی است.^۱ تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز، موکد بر همین درک عام از فرهنگ است.

علامه محمدتقی جعفری، فرهنگ را کیفیتی شایسته برای پدیده‌ها و فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها می‌خواند. از نظر ایشان آن دسته نموده‌ها و فعالیت‌های بشری که به‌طور کامل، منشاء و عامل‌های ضروری طبیعی دارند و از قانون‌های

۱- با وجود این تعاریف، داده‌ها و شاخص‌های موجود در قلمرو فرهنگ در جامعه ایران، بر مبنای تعریف تنگ‌دامنه‌ای از فرهنگ استوارند، که بر ابعاد توصیفی و کمی فرهنگ متمرکز می‌شوند. این داده‌ها به ما نمی‌گویند که آیا «فرهنگ موجود باعث گسترش و تقویت توانایی‌ها و گزینش‌های انسانی می‌شوند؟» مسئله این است که تقسیم‌بندی دوگانه تعریف کلی و محدود فرهنگ این‌گونه می‌نماید که در سطح محدود باید بر شاخص‌های کمی صرف تکیه داشت. در حالی که در سطح محدود هم می‌توان از شاخص‌های کیفی سخن گفت.

۲- ر.ک. حضرت امام خمینی، بیانات: ۱۳۵۹/۲/۱، ۱۳۶۰/۳/۲۳ و حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۸/۹/۱۳، ۱۳۷۹/۹/۱۹.

جبری پیروی می‌کنند (مانند خوردن غذا و آشامیدن آب)، جزء فرهنگ به‌شمار نمی‌آید. ولی آمیختگی این اعمال با دعا، جزئی از مفهوم فرهنگ است. (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۳۲). از نظر ایشان فرهنگ حقیقتی دوقطبی (برون‌ذاتی و درون‌ذاتی) است؛ و مقصود از دوقطبی بودن فرهنگ عبارت است از این که هم جنبه درون‌ذاتی دارد و هم جنبه برون‌ذاتی، مانند زیبایی که مستند به دو قطب مزبور است، چنان که دریافت حقیقت زیبایی، مربوط به خصوصیت مغزی و روانی آدمی است و دیگر موجودها و جانداران از دریافت آن ناتوانند (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۲۷). همچنین، دریافت فرهنگ دارای جنبه درون‌ذاتی است که ناشی از اصل صیانت ذات تکاملی است. همان‌گونه که زیبایی بعد برون‌ذاتی دارد (مانند نمود نشاط‌آمیز گل، مهتاب، آبشار)، فرهنگ نیز دارای بعد برون‌ذاتی است، مانند نمودهای عینی اخلاقیات و آثار هنری و کیفیت ساختمان‌ها که نشان دهنده انواعی از دریافت‌ها و آرمان‌های درون است (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

در آثار استاد مطهری، موضوعی خاص به نام «تعریف فرهنگ» دیده نمی‌شود اما در آثار وی این نکته مور تأکید بوده است که «فرهنگ فعل و انفعالاتی است که مبتنی بر فطرت در روان انسان صورت می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۲۶). این منظر، احساسات، اندیشه‌ها، عواطف، ارزش‌ها و گرایش‌ها مؤید فرهنگ، ریشه در فطرت انسان‌ها دارد یعنی از روان آنها سرچشمه گرفته و عوامل اجتماعی نیز بر آن تاثیر می‌گذارد. ایشان معتقد است جامعه‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به سوی یگانه‌شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی تکامل یافته است که در آن همه ارزش‌های انسانی ... به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۶). ... اسلام به حکم اینکه در جهان‌بینی‌اش قائل به فطرت یگانه است، هم طرفدار ایدئولوژی یگانه است و هم طرفدار فرهنگ یگانه (مطهری، ۱۳۷۸: ۶۰-۶۱).

اگر از مجموعه تعاریف بالا بگذریم، در این نوشتار نیز باید از فرهنگ، تعریفی -نسبتاً ساده به دور از پیچیدگی‌های مفهومی- ارائه کنیم که راهنمای عمل باشد. نباید در این مجال کوتاه وارد مشاجره با ادبیات مربوط به مفهوم‌شناسی فرهنگ شد، اما نباید از نازک‌بینی ضروری در این زمینه هم‌شانه خالی کرد. اگر بخواهیم با یاری گرفتن از مجموعه بحث‌های مطرح شده، تعریفی از فرهنگ ارائه بدهیم، می‌توان به‌طور ساده گفت که فرهنگ، مجموعه باورها، آرمان‌ها و قواعد نهادینه ناظر بر چگونه زیستن انسان‌هاست. فرهنگ مجموعه معانی و تفاسیر مشترک منظم و تنیده در کردارها و دست‌ساخته‌های انسانی است. فرهنگ معانی اجتماعی (یعنی معانی پاگرفته، بالیده و تطّور یافته در اجتماع) کردارهای انسانی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی است. بنابراین هر جایی از معنا و تفسیر مشترک، حضوری باشد از فرهنگ هم خبری خواهد بود. با این تعریف اقتصاد و سیاست منفک از فرهنگ نخواهند بود؛ بلکه در هم درتنیده و خویشاوند هستند. اهمیت این تعریف کوتاه و مختصر در سه عنصر است:

۱- نوع، کیفیت و روش؛

۲- باورها، معانی و میان ذهنیت‌ها؛

۳- اشتراک، تثبیت و نهادینگی.

درهم‌تنیدگی و حضور هر سه عامل فوق‌زاینده فرهنگ است. اهمیت و نقطه افتراق تعریف فوق در کنار تعاریف ارائه شده، تأکید بر موضوع اشتراک و ثبات‌یافتگی معانی است. از این منظر هر روش، هر معنا و هر خواسته فردی لزوماً فرهنگی نیست. فرهنگ زمانی متولد می‌شود که نیت‌ها در بستر زندگی اجتماعی نهادینه شده باشند. نیت و خواستی فرهنگی خواهد شد که در بستر تعاریف و زندگی نمادین جمعی شکل گرفته باشد. اگر موضوع را چنین نپنداریم، ناچاریم که تمام نیت‌ها و خواسته‌های نفسانی را در زیرمجموعه فرهنگ تلقی کرد. حال آنکه چنین تصویری درست نیست. اگر چنین باشد تمام غرایز را باید فرهنگی خواند. پیرو این فهم، زندگی حیوانات را نیز باید فرهنگی خواند، زیرا با خواسته و غریزه

همراه است. واقعیت این است که زندگی جمعی و گروهی حیوانات اساساً متأثر از مجموعه‌ای از خواسته‌ها و نیازهای غریزی است. اما زندگی انسانی متأثر از خواسته‌های فرهنگی (اهداف بلندمدت، آرمان‌ها، قواعد، نمادها و ...) است. در واقع به دلیل همین معانی نمادین و نهادینه است که تاریخ یک کشور را جزء و در زیرمجموعه فرهنگ آن تشریح می‌کنند. بنابراین از باب تمثیل می‌توان فرهنگ را مغز پیکر و ارگانیزم جامعه خواند که بدون اجزای دیگر هویت مشخصی ندارد اما در کنار اجزای دیگر نقش جهت‌دهنده و فرمانده را دارد. فرهنگ بسته به بستر و عرصه کنش و کردار، بُعد و جنبه خاص به خود می‌گیرد که در بخش مربوطه به آن اشاره خواهد شد.

رصد فرهنگی؛ شأن ترکیب

مفهوم رصد فرهنگی به عنوان یک مقوله و مفهوم، عمری کمتر از ده سال دارد و اساساً در تحقیقات و گفتارهای مسئولان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به کار برده شده است. پیدایش این مفهوم در ایران با تحولات جهانی در حوزه فرهنگ موازنه دارد. بنابراین بهتر است پیش از تشریح شرایط کاربست این مفهوم در کشور، به شرایط جهانی امر نگاهی بیندازیم.

در حال حاضر دو عامل مهم بر عرصه فرهنگ سایه افکنده است و فرهنگ را از محتواهای پیشین خود تهی کرده و به حربه‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل کرده است:

عامل نخست، رسانه‌ای شدن فرهنگ است. امروزه گفته می‌شود که ورود رسانه‌ها و تکنولوژی مدرن به عرصه فرهنگ، نوعی «ایدز فرهنگی» را آفریده است.^۱ به این معنا که فرهنگ‌ها به واسطه رسانه‌های مدرن، سیستم ایمنی و مقاومت خود

۱- مفهوم «ایدز فرهنگی» را نیل پستمن [N. Postman] در کتاب «تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی» (ترجمه شده توسط صادق طباطبایی) به کار می‌برد. منظور او از این مفهوم این است که در جامعه جدید سیستم ایمنی و مکانیسم تدافعی فرهنگ‌ها در برابر انبوه اطلاعات عمیق مانده و از هم گسیخته است (ر.ک. پستمن، ۱۳۸۱: ۲-۱۲۱).

را در برابر عناصر فرهنگ مهاجم از دست داده‌اند، از این رو به سوی زوال عناصر خود گراییده‌اند. در واقع نوعی فرهنگ رسانه‌ای و توده‌ای بر جهان حاکم خواهد شد که عمیقاً با بومی‌گرایی و ارزش‌گرایی در فرهنگ ناسازگار است. پرشورترین این نوع انتقادات را در نظرهای افرادی مانند هورکهایمر^۱، آدورنو^۲، مارکوزه^۳ و پستمن و تامپسون با نام‌های «صنعت فرهنگ‌سازی»، «تسلیم فرهنگ به تکنولوژی (تکنوپولی)»، «فرهنگ در بستر عشرت» و «فرهنگ رسانه‌ای» پیدا می‌کنیم.^۴

عامل دوم، امپریالیسم فرهنگی است که با نام‌های جهانی شدن و عام‌گرایی، وجاهت علمی و منطقی به خود گرفته است. این عامل ناظر به چالش‌های تمدن غرب و غیرغرب است. نظریه برخورد تمدن‌ها و امروزه موضوع سیاسی «تروریسم - دموکراسی» یا منطق «با ما یا با تروریست‌ها» را می‌توانیم در زیرمجموعه این پدیده مطرح کنیم. انتقاد مخالفان به امپریالیسم فرهنگی عمدتاً معطوف به منطق غرب‌گرا و اروپامدار ادبیات نظریه‌پردازی مدرن بازمی‌گردد. در این سنخ انتقادات، منطق نظریه‌پردازی متکی بر مفاهیم فرهنگی، تاریخی و تمدنی است. پرسش این است که چرا غرب هسته باشد و دیگران پیرامون باشند. چرا غرب «غرب» باشد و دیگران «غیرغرب» باشند. چرا غرب، مرکز و کانون باشد و دیگران در حاشیه و پیرامون قرار بگیرند. چگونه غرب که ریشه در یک قومیت و تاریخ خاص دارد تبدیل به الگوی جهانی شده است. یعنی اینکه غرب همان مدرن است و مدرنیته همان غرب است و راهی نیز برای برون‌رفت از این وصلت نامشروع وجود ندارد. برای از بین بردن این دور، یگانه راه این است که آن را بشکنیم. یعنی باید گفت داستان‌ها و روایت‌های غرب مناقشه‌آمیزند. غرب صرفاً مظهری از مدرنیته است. بنابراین برای شکستن دور باطل می‌توانیم سؤال کنیم که روایت‌های غربی چقدر

1- M. Horkheimer

2- T. Adorno

3- H. Marcuse

۴- ر.ک. مارکوزه، ۱۳۶۲؛ آدورنو و هورکهایمر، ۱۳۸۰؛ پستمن، ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، ۱۳۸۱؛ تامپسون، ۱۳۷۸. البته در نگاه تامپسون جوانب انتقادی به موضوع کم‌رنگ است.

اخلاقی، چقدر سیاسی و چقدر وابسته به قدرت و منافع‌اند و...!

نکته قابل‌تأمل این است که ریشه‌های این انتقاد از غرب، هم درونی است و هم بیرونی. درونی از این نظر که ابتدا خود غربی‌ها این انتقادات را مطرح کردند. از جمله منتقدان، پسا‌ساختارگراها بودند که مدعی‌اند باید الگوی عام را رد کرد؛ اروپامداری^۲ و اتنوستریسم^۳ (یا قوم‌مداری) غرب محکوم است، باید امکانی برای رهایی از بیگانه‌پرستی جهان غیرغرب فراهم شود. نظرات لیوتار، فوکو و دریدا^۴ چنین سمت‌گیری دارند^۵.

بخش دوم انتقادات بیرونی است و ریشه در جهان غیرغرب دارد. صریح‌ترین ادعای بیرونی این است که غرب دیگر مرکز عالم تلقی نشود. این شکل انتقادات، طرح و حضور جایگاهی برای الگوهای غیرغربی را در توسعه و مدرنیته مفروض می‌گیرند. مفاهیم بومی‌سازی و محلی‌گرایی همگی ناظر به این موضوع‌اند. در صحنه‌های اجتماعی نیز بسیاری از جنبش‌های اخیر در کشورهای آمریکایی یا آسیایی بعد از حکومت‌های اقتدارگرا که به دنبال اخلاقی کردن جامعه مدرن بودند، این نوع عقیده را دنبال کرده‌اند. این جنبش‌ها، حتی می‌خواستند مذهب را در جامعه مدرن درونی سازند. جنبش‌های بنیادگرایی اخیر در برزیل و دیگر کشورها، یا جنبش احیای تفکر و حاکمیت اسلامی که نمادش جمهوری اسلامی ایران است، نمونه‌هایی از حرکت‌های بین‌المللی‌اند. همه این جنبش‌ها تلاش می‌کنند فرهنگ سرکوب‌شده را (البته فرهنگ به معنای مردم‌شناختی که دین هم در آن

۱- برای مطالعه در این زمینه به کتب زیر مراجعه شود:

- Said, E. (1993). *Culture and Imperialism*, London, Chatto & Windus Ltd. Perss.

- Amin, S. (1987). *Eurocentrism*, translated by R. Moor. Zed Book Press.

- سعید، بابی. (۱۳۸۰). *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- هابسون، جان. (۱۳۷۸). *ریشه‌های شرقی تمدن غرب*. ترجمه مسعود رجیبی و موسی عنبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

2- Eurocentrism.

3- Ethnocentrism.

4- J. Derrida.

5- Foucault 1980, Lyotard 1980.

حضور دارد^۱، با مضامین اخلاقی و دینی در جامعه مدرن احیا کنند. تلقی رایج این است که مرکز واحدی در جهان وجود ندارد و جهان از چند مرکز تشکیل شده است، تفکر اسلامی یک مرکز و هسته آن است. بسیاری از جنبش‌های فرهنگی در آمریکای لاتین و کشورهای اسلامی و حتی در ایران که توده‌ها را بسیج کردند، با شعار دین و عدالت وارد جامعه مدرن شدند و چالش‌هایی در سطح بین‌المللی ایجاد کرده‌اند.

در ایران یکی از بارزترین جبهه‌گیری‌ها در برابر امپریالیسم فرهنگی، در کلام و نوشته‌های حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی و بعد از ایشان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیده می‌شود. در واقع همین گفتمان بوده است که مبنای طرح مفاهیم و رویکردهای «استقلال فرهنگی»، «هویت اسلامی»، «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی»، «مردم‌سالاری دینی» و... بوده است. تعبیر رصد و مهندسی فرهنگی، که در ده ساله اخیر شکل گرفته‌اند در ادامه و پیوند با همین گفتمان مطرح شده‌اند.

امام خمینی (ره) برای پالودن فرهنگ کشور از مظاهر و ادبیات فرهنگ غربی و استقرار فرهنگ اسلامی به جای آن، طرح تشکیل ستاد و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی را مطرح کرد^۲. ایشان، برای این نهاد نقش مهمی برای مقابله با وابستگی فرهنگی، گسترش مظاهر فرهنگ اسلامی و زدودن فرهنگ غربی در دانشگاه می‌دید^۳. از بیانات ایشان است که: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، از دخالت نظامی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است»^۴.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، در بیانات خود تا سال ۱۳۷۵، همواره بر موضوعات و مضامین فرهنگی لازم‌الاجرا در دانشگاه‌ها و جامعه توسط

۱- در تعاریف و شاخص‌سازی‌های غیرمردم‌شناختی اخیر در مورد فرهنگ، حضور دین بسیار کم‌رنگ شده و فرهنگ به عرصه مطبوعات، رسانه‌ها، سینما و فعالیت‌های فرهنگی تقلیل یافته است.

۲- ر.ک. به فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی توسط حضرت امام خمینی (ره).

۳- ر.ک. حضرت امام خمینی بیانات، ۱۳۶۰/۳/۲۳.

۴- ر.ک. حضرت امام خمینی، بیانات ۱۳۵۹/۲/۱.

دستگاه‌های فرهنگی به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید داشته است. ایشان در این سال‌ها بر موضوعات متعدد به عنوان وظیفه و فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید می‌کرد. اهم این موضوعات به‌طور فهرست‌وار برحسب بیانات ایشان در نشست‌های مختلف به قرار زیرند:

۱- محدود نکردن فعالیت‌های شورای عالی به مسائل دانشگاه‌ها، توجه به فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار، سلامت کار و استحکام و سنگ تمام گذاشتن برای تولید، جدیت در کار؛

۲- محدود نکردن فعالیت‌های شورای عالی به مسائل دانشگاه‌ها، تأکید بر تربیت نیروی انسانی، تأکید بر عنصر علم و تدین در تربیت دانشجوی، روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی، مسئله فرار مغزها، مسئله تهاجم فرهنگی، تحمل شور و نشاط دانشجویی و مراقبت از دخالت سیاست‌بازان در محیط دانشگاهی، رعایت ظواهر دینی؛^۱

۳- آمیخته شدن محیط دانشگاه با مفاهیم و عمل اسلامی، نزدیک‌تر شدن به اهداف انقلاب در دانشگاه‌ها، کتاب‌های دانشگاهی، اساتید و در فضای دانشگاه؛ رسیدگی به وضع نامطلوب برخی از علوم انسانی، اهمیت مقوله تهاجم فرهنگی و ضرورت مقابله با ابتدال و فساد اخلاقی؛^۲

۴- ضرورت اهتمام به جهت‌گیری‌های اسلامی در کتب درسی دانشگاهی، اهمیت فرهنگ عمومی، افزایش روح اتقان‌گرایی در کار، جلوگیری از تضييع مواد و مصرف بی‌رویه، ضرورت حضور روحانیون در دانشگاه؛

۵- وجود جهت‌گیری جدی در جهت تضمین فرهنگ اخلاقی و جنبه‌های اخلاقی فرهنگ عمومی مانند وجدان کار و انضباط اجتماعی، فرهنگ حمل و نقل و رانندگی؛ تقلب‌ها و فسادهای گوناگون مالی، رسالت سترگ شورای عالی

۱- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۹/۶/۱۳۶۹.

۲- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۲۰/۹/۱۳۷۰.

۳- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۹/۹/۱۳۷۱.

۴- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۲۹/۹/۱۳۷۲.

در حقوقی و قانونی کردن اخلاقیات اجتماعی^۱.

از سال ۱۳۷۴ به بعد، در بیانات رهبری، ضمن اشارت به موضوعات متعدد فرهنگی فوق، به‌طور مکرر بر مقولات «مدیریت»، «رصد» و «مهندسی فرهنگی» تأکید دیده می‌شود^۲. مهم‌ترین موضوعات مورد توجه ایشان بعد از این سال‌ها عبارت‌اند از:

۱- جایگاه ویژه شورای عالی به عنوان مرکز هدایت مسائل فرهنگی کلان کشور و ضرورت پرهیز از امور اجرایی، شناخت صحیح خصلت‌های مجامع دانشجویی و رعایت نظم و انضباط اخلاقی و رفتاری^۳؛

۲- مقابله با تهاجم فرهنگی، اهمیت فرهنگ در جامعه، ضرورت پرداختن به مسائل اخلاقی، ارزشی و فکری دانشجویان، گسترش دانشگاه‌ها از لحاظ کمی و کیفی، وظیفه شورای عالی در پرداختن به اصلاحات ژرف فرهنگی و اخلاقی^۴؛

۳- ضرورت مدیریت فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز مدیریت فرهنگی، تدبیر و مدیریت فرهنگی در مقابله با تهاجم فرهنگی^۵؛

۴- تعریف و اهمیت فرهنگ، آرایش نیروهای فرهنگی، لزوم فعالیت جدی‌تر نهادهای فرهنگی^۶؛

۵- اهمیت مقوله فرهنگ، توجه به اشتغال فارغ‌التحصیلان، تطبیق نظام آموزشی کشور با نیازهای عینی دولت، کمک به برنامه‌ریزی دروس معارف، جلوگیری از مهاجرت نخبگان^۷؛

۶- لزوم اجرایی شدن مصوبات شورای عالی، هدایت کلان مسائل فرهنگی، ضرورت آشنا کردن نسل موجود با معارف انقلاب، توجه به فلسفه اسلامی در

۱- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۳/۹/۲۹.

۲- برای بررسی بیشتر ر.ک: بیانات مقام رهبری در دیدارها و جلسات متعدد با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۴/۹/۲۸.

۴- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۵/۹/۲۰؛ ۱۳۷۶/۱۱/۴.

۵- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.

۶- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۸/۹/۲۳.

۷- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۹/۹/۱۹.

برنامه‌ریزی‌های دانشگاه‌ها، ایجاد و مدیریت شهرک‌های علمی - تحقیقاتی، لزوم استفاده از نشانه‌های فرهنگی در بناها و کارهای عمرانی کشور، اهمیت تحقیقات، توجه به امور تربیتی در وزارت آموزش و پرورش؛

۷- مدیریت راهبردی فرهنگی، شورای عالی مرکز مهندسی فرهنگی کشور، ضرورت مهندسی فرهنگ کشور، توجه به انضباط، اعتماد به نفس ملی و اعتزاز ملی، فرهنگ ازدواج، فرهنگ راندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداری، فرهنگ لباس، الگوی مصرف وسایل زندگی، بحث تبلیغ، تعیین شاخص‌های ارزیابی وضعیت فرهنگی و آموزشی و تحقیقاتی کشور، تجزیه و تحلیل جریان‌ات فرهنگی جهان و تعیین تأثیر آن بر مسائل داخلی، اینترنت، طرح‌های شناسایی و جذب نخبگان، لزوم پیگیری اجرایی شدن مصوبات شورا، لزوم توجه به نهضت تولید علم و نهضت نرم‌افزاری؛

۸- توجه به تزکیه نفس و رشد فضایل اخلاقی در جامعه، عدم پذیرش برخوردهای افراطی در حوزه فرهنگ، مدیریت کردن فرهنگ، تولید و نوآوری علمی به‌خصوص در علوم انسانی، جلوگیری از مهاجرت نخبگان، پیگیری مصوبات شورا، عدم نگاه مصرفی به برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی آموزش عالی، ارتباط دانشگاه‌ها با صنعت، توجه به مقوله هنر و هدایت صحیح آن؛

۹- لزوم مهندسی اساسی و کلان فرهنگ کشور، لزوم اتصال مراکز اجرایی به شورای عالی توسط اعضای حقوقی، مردم‌سالاری دینی، مطالعه مسئله جهانی شدن یا جهانی‌سازی؛

۱۰- شورا به عنوان قرارگاه اصلی مسائل فرهنگی، ضرورت توجه به آینده دور و معین‌شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله در سیاست‌ها و برنامه‌های شورا، تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، «رصد مسائل فرهنگی»، اطلاع‌رسانی

۱- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۰/۹/۱۹.

۲- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۱/۹/۲۶.

۳- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۲/۱۰/۲۳.

۴- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۳/۱۰/۸.

۵ - «شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یک شورای زنده، فعال، حساس، پرتحرک و پرتلاش باشد و دایم مسائل فرهنگی کشور را رصد کند. این، حرف اصلی ماست.»

به‌هنگام و مستمر در خصوص عملکرد شورا، ترویج نظریه‌پردازی و تولید علم، جذب نخبگان و شناسایی و سازمان‌دهی در جهت بهره‌گیری از آنها برای امور مختلف کشور؛

۱۱- اهمیت جایگاه و وظایف خاص شورای عالی، مقابله با مصرف‌گرایی و اسراف، طراحی کلان و تصحیح عملکرد کلان دستگاه‌ها توسط شورا، توجه به نقش حوزه در آرایش عمومی عرصه فرهنگ، لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورا، پیوست فرهنگی در طرح‌های اقتصادی، مالی، پولی و عمرانی، اهمیت مهندسی فرهنگی برای رسیدن به عدالت اجتماعی، تدین و دین باوری، دین‌گرایی عملی، انس با قرآن، اعتماد به نفس، روح ایثار و مجاهدت به‌طور کامل در همه ابعاد، اصلاح فرهنگ عمومی.^۲

موضوعات بیان‌شده در بالا، همسو با تغییرات مهم در حوزه فرهنگ و تحولات جهانی مطرح شده‌اند. بدیهی است این تغییرات، اهتمام به مدیریت فرهنگی را لازم ساخته است. مفهوم رصد فرهنگی به عنوان ابزار مدیریت و مهندسی فرهنگی نیز از این سلسله گفتارها پا گرفته است و در ادبیات فرهنگی وارد شده است. بی‌شک مراد از موضوع رصد، مطالعه، بررسی و ارزیابی مسائل و جریان‌های مختلف فرهنگی کشور است. از بیانات متعدد رهبری نیز چنین معنایی مستفاد می‌شود. برخی مسئولان و محققان نیز در بیان شأن ترکیب رصد فرهنگی، به این معانی اشاره داشته‌اند. در ادامه تعاریف و برداشت‌های موجود درباره رصد را تشریح می‌کنیم.

تحلیل برداشت‌های موجود

راجع به موضوع رصد فرهنگی، مطالعه و اثر فاخری صورت نگرفته است. حتی در گفتارها نیز این مفهوم، به خوبی تشریح نشده است و ادبیات پا گرفته حول آن ضعیف و کم حجم است. در نهادهای فرهنگی کشور فعالیت‌هایی در مورد رصد

۱- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳/۱۰/۱۳۸۴.

۲- ر.ک. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۷/۹/۱۳۸۶.

فرهنگی صورت گرفته است، که اساساً فعالیت‌های تشکیلاتی و سازمانی بوده‌اند. برای مثال مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف فعالیت در این زمینه تشکیل شده است.^۱ اما با وجود این اقدام، هنوز از نظر ادبیات نوشتاری و گفتاری در این زمینه با قلت و کاستی مواجه‌ایم. در سال ۱۳۸۱، گزارشی مختصر با عنوان «تعریف و ابعاد رصد فرهنگی» در اداره کل روابط عمومی و افکارسنجی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفت که تقریباً اولین گزارش علمی مکتوب در مورد رصد فرهنگی است.^۲ در این گزارش ضمن تعریفی از رصد فرهنگی و اهداف آن، ابعاد چهارگانه جریان‌شناسی، مسئله‌شناسی، سیاست‌پژوهی و پیامدسنجی (آینده‌شناسی) برای موضوع بیان شده است. در سال ۱۳۸۳ گزارشی ثانوی و مکمل با نام «درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور» در دفتر مطالعات فرهنگی دبیرخانه تدوین شد که حاوی مصاحبه‌ها و نظرهای برخی از محققان و مسئولان در حوزه‌های فرهنگی است.^۳ در زیر برحسب مطالعات انجام‌شده، تعریف و ابعاد رصد فرهنگی را بررسی و ارزیابی می‌کنیم.

برای رصد فرهنگی تعاریفی ذکر شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- ۱- رصد فرهنگی عبارت است از تعبیه و پیش‌بینی سازوکار و ارکان معین برای مطالعه، بررسی و تحلیل ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای موجود در سطح فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌ها به‌منظور مسئله‌شناسی فرهنگی در سطح توده عام مردم و پایش جریان‌های فرهنگی تولید شده از سوی نخبگان؛^۴
- ۲- رصد فرهنگی نوعی مسئله‌یابی و مسئله‌سنجی فرهنگی است که باید در سطوح مختلف و به لحاظ مقاطع زمانی گذشته، حال و آینده پیگیری

۱- ر.ک. مصوبه ۵۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۳۰/۱۰/۱۳۸۴، مجموعه مصوبات، کتابخانه و مرکز اسناد دبیرخانه.

۲- این گزارش توسط آقایان موسی عنبری و بابک نگاهداری از کارشناسان وقت اداره کل روابط عمومی و افکارسنجی تهیه شد. ر.ک. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کتابخانه و مرکز اسناد.

۳- این گزارش توسط آقایان بابک نگاهداری و محسن خضرائی مسئول و کارشناس دفتر مطالعات فرهنگی تهیه شد. ر.ک. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کتابخانه و مرکز اسناد.

۴- ر.ک. شیوه‌نامه رصد فرهنگی کشور، ماده ۱، مصوب جلسه ۵۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی (مورخ ۲۰/۱۰/۱۳۸۴)، مجموعه مصوبات، کتابخانه و مرکز اسناد دبیرخانه.

شود (کی نژاد، ۱۳۸۷)؛^۱

۳- رصد فرهنگی شناخت عوامل و متغیرهای گوناگون و حوزه‌های مختلف رفتاری، اقتصادی و سیاسی و سنجش تاثیرگذاری آنها تحت شرایط زمانی و مکانی است که یکی از فازهای طرح مهندسی فرهنگی است (مخبر دزفولی، ۱۳۷۸)؛^۲

۴- رصد فرهنگی بخشی از آینده‌شناسی است که هدفش مانیتورینگ روند حرکت فرهنگی برای فهم کاستی‌های این حوزه است (عباسی، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۹)؛

۵- رصد فرهنگی عبارت از نظارت و کنترل با برنامه و آرمان یک امر فرهنگی است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۸۹-۸۸)؛

۶- شناخت فضای فرهنگی کشور شامل کالبدشکافی مسائل فرهنگی موجود در جامعه را می‌توان رصد فرهنگی گفت (نبوی، ۱۳۸۲: ۷۷-۶۴)؛

۷- رصد کردن یعنی آماده شدن و پیش‌فرض دادن برای آینده. به عبارت دیگر یعنی شناخت موقعیت زمانی و مکانی و عالم به زمان بودن. اکنون بحث رصد فکری و فرهنگی در مطالعات جدید علوم انسانی، تحت عنوان آینده‌پژوهی مطرح شده است (محمدیان، ۱۳۸۲: ۹۹)؛

۸- رصد فرهنگی، مطالعه مسائل و پدیده‌های فرهنگی از دید تغییر فرهنگ می‌باشد. رصد فرهنگی، یافتن مسائل فرهنگی، سنجش آنها و آینده‌شناسی فرهنگی است ... رصد فرهنگی، مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای موجود، در حال ظهور یا رو به رشد و در حال زوال و تغییر می‌باشد (آشنا، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۸)؛

۹- رصد فرهنگی یعنی بررسی وضعیت موجود فرهنگی جامعه، به عبارت دیگر یعنی کشف آنچه در عینیت فرهنگی جامعه در حال اتفاق افتادن است (الویری، ۱۳۸۲: ۱۳۵-۱۳۰).

۱- مصاحبه با ایشان در مورد رصد فرهنگی، قسمت اول.

۲- رک. خلاصه مقالات همایش مهندسی فرهنگی، در سایت:

محققان معتقدند پدیده فرهنگ، صرفاً مسئله‌ای فرهنگی نیست و باید آن را در جنبه‌ها و وجوه غیر فرهنگی‌اش نظیر مباحث اقتصاد فرهنگ (مشاغلی که جوهره فرهنگی دارند) و فرهنگ اقتصادی^۱ نیز ملاحظه کرد. در واقع فرهنگ با ابعاد دیگر جامعه نه تنها در سطح بلکه در عمق نیز ارتباط دارد. برای تحلیل علمی پدیده‌های فرهنگی باید با توجه به این موضوع، وضع موجود را شناخت و به آینده و نقطه هدف موضوع نظر داشت.

سعید معیدفر، جامعه‌شناس، سه اقدام آغازین برای رصد فرهنگی را به قرار زیر بیان کرده است:

- ۱- تعیین کلیه مختصات وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود؛
- ۲- تعیین مختصات نسبتاً آرمان‌گرایانه‌ای که تا حدی متناسب با وضع موجود باشد (وضع مطلوب)؛
- ۳- تدوین برنامه‌ها برای رسیدن از وضع موجود به نقطه هدف یا وضع مطلوب^۲ (معیدفر، ۱۳۸۳: ۸۵).

برای تحقق بُعد نخست به عالمان علوم اجتماعی به معنای عام نیاز است، در بُعد دوم به ترکیبی از متخصصان علوم اجتماعی، عالمان علوم دینی و یا رهبران جامعه، استراتژیست‌ها، مورخان و فیلسوفان نیاز است و در بُعد سوم به افرادی نیاز است که ضمن داشتن تخصص در علوم مدیریت و برنامه‌ریزی، از لحاظ تجربی نیز دارای توانایی‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی باشند.

گفته می‌شود که اصلی‌ترین اولویت پژوهشی کشور، یک نیازسنجی جامع از

۱- منظور آن دسته از عناصر ذاتاً فرهنگی است که به اقتصاد و کنش‌های اقتصادی جهت می‌دهند مانند ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و ... در عرصه اقتصاد مثل تلقی کنشگران از ارزش کار، مالکیت، پیشرفت فردی یا جمعی (...).

۲- از زمانی که مفهوم مهندسی فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دستور کار قرار گرفته، تاکید شده است که میان این مفهوم و تعبیر رصد فرهنگی تفکیک صورت گیرد. نحوه تمیز میان این مقوله، جای بحث و گفتار دیگر است. در حال حاضر در میان کارشناسان دبیرخانه شورای عالی اجماع بر اینست که رصد فرهنگی «وضع موجود» را بررسی می‌کند و مهندسی فرهنگی مترصد تعیین «وضع مطلوب» است. با این توصیف، در سه اقدام ذکر شده در بالا، موارد دوم و سوم با موضوع مهندسی فرهنگی همپوشی دارند که البته شاخص‌های وضع مطلوب نیز می‌توانند به عنوان روشنگر مسیر رصد عمل کنند.

کشور در عرصه فرهنگی است، بعد از این، مهم‌ترین پژوهش شاید یک پژوهش جامع در نظام مدیریت فرهنگی است تا بتوان نقاط قوت و ضعف و ... را جمع‌بندی نمود و به سمت حل مشکل رفت (اکبری جدی، ۱۳۸۱: ۴۰).

برای رصد ابعاد فرهنگ، باید موضوعات زیر مطالعه و ارزیابی شوند:
۱- اقدامات گذشته به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف و ارزیابی آنها. در مطالعه گذشته، آنچه مهم است کشف قانونمندی‌های بین اتفاقات و وقایع گذشته و تحلیل چگونگی شکل‌گیری آنهاست؛

۲- اقدامات فعلی برای سنجش نظر و رضایت‌مندی عاملان و گروه‌های مخاطب و هدف؛

۳- آینده فرهنگی، یعنی گذشته و حال را مبنای پیش‌بینی آینده قرار دادن (آینده‌پژوهی)؛

۴- جریان‌های فکری؛ برای رصد جریان‌های فکری می‌بایست صاحبان فکر که در حوزه‌های مختلف تأثیرگذارند شناسایی شوند و دوم عناصر حیاتی حقیقی یا شبه‌حقیقی یک فکر تشخیص داده شوند؛

۵- تحولات اجتماعی؛

۶- جریان‌های فرهنگی در حوزه‌های کتاب، مطبوعات، نشریات، شخصیت‌ها، احزاب، هنر و ورزش (محمدیان، ۱۳۸۲).

در رصد فرهنگی، اولویت (از نظر مطالعاتی و دانشگاهی، نه از نظر حکومتی و مردمی) با مسائل فرهنگی در حال ظهور و در حال زوال و تغییر می‌باشد. زیرا وقتی مسائل فرهنگی در حال ظهور، در جامعه پذیرفته شدند عملاً به مسائل فرهنگی موجود تبدیل می‌گردند. اما محور اصلی مطالعه و رصد باید رفتارهای قابل مشاهده موجود و در حال ظهور باشد. رفتارهای قابل مشاهده نظیر زبان، سبک زندگی، رفتار مسکن‌گزینی، پوشاک، اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، کالاهای فرهنگی و فضاهای فرهنگی است. برای مطالعه این رفتارها باید چهار حوزه زیر بررسی شوند:

- ۱- حوزه اقشاری (نخبگان، دانشجویان و کارگزاران فرهنگی که خود سه حوزه اصلی پژوهش در فرهنگ می‌باشد)؛
- ۲- حوزه فرهنگ عمومی: مردم بدون توجه به قشربندی آنها؛
- ۳- حوزه موضوعی: ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها؛
- ۴- حوزه‌های معرفتی (لایه‌های غیرمعرفتی مانند موج ناپایدارند) از طریق آثار مکتوب که ماندگارند (آشنا، ۱۳۸۲).

موضوع دیگری که در نظر محققان در بحث رصد فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد، بحث فرهنگ جهانی و تأثیرات آن بر فرهنگ جامعه است. منظور از فرهنگ جهانی، فرهنگ سلطه است. یعنی آن فرهنگی که خصوصیت اثرگذاری آن بالا و برجسته می‌باشد. برای رصد تأثیرات فرهنگ جهانی باید در حوزه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها، مسئله تماس فرهنگی را مطالعه کنیم. بنابراین ابتدا باید شاخص‌های فرهنگ غرب یا هر فرهنگ دیگری را که با کشور در تماس است، شناخت سپس در رفتار اقشار مختلف جامعه مطالعه کرد که چه میزان از آن ارزش‌های فرهنگی وجود دارد. ابعاد رصد این تأثیرات در حوزه اقشار و فرهنگ‌های تخصصی نظیر حوزه‌های فرهنگ پزشکی، فرهنگ دانشگاهی و فرهنگ دینی است. در واقع در هر یک از زیربخش‌های تخصصی و موضوعی، باید تأثیر تماس فرهنگی بررسی شود. (آشنا، ۱۳۸۲؛ الویری، ۱۳۸۲)

فرهنگ جهانی می‌تواند به دو شکل بر فرهنگ جامعه ما تأثیرگذار باشد و باید هر دو شکل آن رصد گردد. نخست اثرات مثبت فرهنگ جهانی، نظیر استفاده نخبگان از مبانی نظری و دستاوردهای تمدن جدید غرب از جمله علم و تکنولوژی است. دوم، تأثیرات منفی فرهنگ جهانی، خاصه تهاجم فرهنگی است. تأثیرات منفی فرهنگ جهانی می‌تواند هویت کشور را خدشه‌دار سازد. مسئله تضاد سنت و مدرنیسم که ما هنوز نتوانسته‌ایم این تضاد را به یک رابطه و تعامل منطقی و مشخص تبدیل کنیم از مصادیق این اثرات مخرب است... ما باید سه مقوله سنت، فرهنگ جهانی - که محصول مدرنیسم است - و دین را به نحوی با هم هماهنگ سازیم (الویری، ۱۳۸۲).

گفتار دوم

سازوکارهای رصد

SCCR

مباحث گذشته، چکیده‌ای از گفتارهای محققان درباره رصد فرهنگی و ابعاد آن بود. بدیهی است برای رصد ابعاد فرهنگ جامعه باید به سازوکاری موجه اندیشید. منظور از ساز و کار تشریح و تبیین پدیده‌های فرهنگی و حلقه‌های تعاملی میان آنهاست. سازوکار، نمایش چگونگی ربط مجموعه‌ای از متغیرها و موضوعات است. بنابراین سازوکار ناظر به روش‌شناسی اتصال مجموعه‌ای از موضوعات هم‌خانواده و خویشاوند است. در اینجا ما قبل از اینکه به بحث سازوکار رصد فرهنگی بپردازیم، نخست تعریفی از این مفهوم ارائه می‌کنیم و زمینه را برای بحث راجع به ابعاد و موضوعات آن فراهم می‌کنیم.

با استناد به مجموعه مباحث در صفحات پیشین، باید لفظ رصد را به سه معنا ترجمه کرد: نظارت، پایش و تحلیل. اگر این سه معنا را که همگی جهت واحد دارند به فرهنگ بیفزاییم، ترکیبی با معنای مشخص به وجود خواهد آمد. بر این اساس باید سه تعریف مکمل برای رصد فرهنگی بیان کرد:

۱- نوعی کاوش و تحلیل زوایای پنهان جنبش‌های فرهنگی به همراه تبیین روند سمت‌گیری‌های ارزشی، احساسی، گرایشی و رفتاری در جامعه است.

۲- نوعی پایش و ارزیابی مستمر پدیده‌ها، ساختارها (سازمان‌ها و نهادها) و رفتارهای فرهنگی (به‌ویژه مواردی که به‌عنوان مسئله فرهنگی محسوب می‌شوند) است؛

۳- نوعی نظارت و دیده‌بانی معطوف به جهت‌دهی در حوزه‌های رفتاری، سازمانی و هنجاری فرهنگ است؛

در تعریف برخی محققان، گاهی رصد به معنای جهت‌دهی و دستکاری فرهنگی آمده است. چنین درک و تعریفی از رصد فرهنگی، نشانگر معانی ثانویه موضوع است. رصد بیشتر معطوف به پایش و تحلیل وضعیت فرهنگی است و از حوزه جهت‌دهی به حوزه فرهنگ دور می‌باشد. بی‌گمان هدف از هر رصدی، استفاده از

۱- ممکن است تعریف سوم به حوزه مهندسی فرهنگی نزدیک شده باشد. برحسب تعریفی که در ابتدای نوشتار، از لفظ رصد و تبار آن آمده است، دیده‌بانی و نظارت کنترل‌خواهانه، در ذات مفهوم رصد نهفته است. قاعدتاً بعد انضمام موضوع به فرهنگ نیز این ویژگی حفظ خواهد شد.

آن برای عمل و کنترل است؛ اما این هدف در کانون موضوع نیست. چنانچه رصد را به معنای جهت‌دهی نزدیک کنیم، به حوزه مفهوم دیگری وارد شده‌ایم. مفهوم مهندسی فرهنگی با جهت‌دهی موازنه بیشتری دارد. رصد معطوف به شناسایی و تحلیل، و مهندسی ناظر به مدیریت و جهت‌دهی است. در کلام و گفتار مسئولان فرهنگی کشور نیز، «رصد، مقدمه مهندسی فرهنگی» شناخته شده است.^۱

اگر پدیده فرهنگی را کلیتی یکپارچه و قائم به ذات تعریف کنیم، رصد فرهنگی چشم‌اندازی به عناصر بنیانی تعیین‌گر و سازنده رفتار ارزشی، هنجاری و اعتقادی در جامعه خواهد بود، یعنی باید عوامل تعیین‌گر کنش‌های فرهنگی را در خود فرهنگ کاوید. اما چنانچه پدیده فرهنگی را متصل و وابسته به پدیده‌های دیگر بخوانیم، رصد فرهنگی تحلیل حیات و زوال پدیده‌های فرهنگی و تعیین جهت حرکت آنها در ارتباط نزدیک با جنبش‌های سیاسی و دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی است. تلقی دوم نزدیک‌تر به واقعیت و توان‌تر برای اقناع است. از این رو می‌توان گفت:

رصد فرهنگی نوعی شناسایی، تشریح و تحلیل سیال پدیده‌های فرهنگی از یک سو، اثرپذیری آنها از حرکت‌ها و رخداد‌های اقتصادی و سیاسی در سطوح ملی و جهانی از سوی دیگر است.

آنچه تعریف بالا را بهتر روشن می‌سازد، تشریح مکانیسم و ساختار رصد فرهنگی است. اگر در معنایی عام، رصد فرهنگی را پایش و تحلیل وضعیت فرهنگی جامعه بخوانیم، مفهوم «رصد» بیشتر ناظر به چگونگی پایش و تحلیل و مفهوم «فرهنگی» ناظر به موضوعات و شاخص‌های مورد تحلیل است. به عبارت دیگر رصد ناظر به روش و ابزار کار و فرهنگ معطوف به هدف و معانی است، بنابراین می‌توان رصد فرهنگی را از دو منظر زیر مورد بررسی قرار داد:

۱- ر.ک. کی‌نژاد، ۱۳۸۷: مصاحبه در مورد رصد فرهنگی، قسمت اول. / مخبر دزفولی (۱۳۸۷)، ضرورت رصد فرهنگی، در: خلاصه مقالات همایش مهندسی فرهنگی، در سایت:

۱- رصد به مثابه روش

اگر رصد را به عنوان یک روش تلقی کنیم، باید بر چگونگی و کیفیت انجام کار متمرکز شویم. وقتی از روش‌شناسی رصد صحبت می‌کنیم، باید به روش کار و تشکیلات اجرایی آن بیندیشیم. بی‌گمان باید برای این امر موازینی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، برای هم‌اندیشی راجع به این موازین باید برخی از ملزومات روش‌شناختی رصد را بیان کرد. از این منظر، رصد فرهنگی واجد سه فعالیت و معیار اساسی است که هر یک ناظر بر فعالیتی خاص است:

۱-۱- روندپژوهی

منظور از «روندپژوهی فرهنگی»، شناسایی ابعاد و اضلاع پدیده‌ها و جریان‌های فرهنگی در یک پیوستار^۱ یا فرایند است. به بیان روشن‌تر، رصد فرهنگی، روند شناسایی، تحلیل، سیاست‌گذاری و پیام‌سنجی پدیده‌های فرهنگی در طول زمان را در بر می‌گیرد. این موضوع، بیشتر ناظر به استراتژی و راهبردهای طرح و تقلیل مسائل و مشکلات فرهنگی است.

روندپژوهی ناظر به دو فعالیت متقابل در حوزه فرهنگ است. فعالیت اول جریان‌شناسی فرهنگی است، یعنی بررسی تحولات و دگرگونی‌های شاخص‌های فرهنگی و شناخت جریان‌هایی که جامعه در حوزه فرهنگ با آنها مواجه است. فعالیت دوم مسئله‌شناسی فرهنگی است، که مجموعه‌ی کاوش‌های معطوف به کشف مهم‌ترین معضله‌های فرهنگی از منظر نخبگان و مردم را در بر می‌گیرد. مبنا و منابع این نوع کاوش روندی، مطالعات و پژوهش‌های مستمر مکتوب در حوزه‌های مختلف فرهنگی است. از ترکیب این دو فعالیت که در ارتباط متقابل با یکدیگرند، مرحله‌ای مطالعاتی تحت عنوان «جریان‌شناسی معطوف به کشف مسئله» مطرح می‌شود.

در واقع هدف کلی این مرحله از پژوهش رصد فرهنگی، شناسایی و طرح

پدیده‌ها و جریان‌های فرهنگی در کشور از دیدگاه‌های مختلف نخبگان، مردم و نظام فرهنگی با تأکید بر اولویت‌گذاری و دسته‌بندی موضوعی آنها برحسب ضرورت‌ها و اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران است.

هر جریان فرهنگی، فراتر از یک مسئله و فعالیت فرهنگی محدود است. مجموعه‌ای از پدیده‌های فرهنگی است که بخش قابل‌توجهی از جامعه را مشغول می‌سازد و مدیریتی نسبت به آن اعمال می‌گردد. بنابراین یک جریان فرهنگی خود به خود شکل نگرفته است و نقطه شروع آن می‌تواند داخلی باشد یا خارجی. اگر پدیده، تبار و زمینه داخلی نداشته باشد جریانی که در خارج تولید و هدایت می‌شود، در داخل موفق نخواهد بود.

برای رصد یک جریان و پدیده، باید اقدامات ذیل انجام پذیرد:

- ۱- تعیین روش‌مندانه اولویت‌های رصد. ابتدا باید براساس آرمان‌ها و اسنادی که این آرمان‌ها را منعکس می‌سازند- قانون اساسی، رهنمودهای امام (ره) و رهبر معظم انقلاب - اولویت‌ها روش‌مندانه مشخص شوند؛
- ۲- رصد حجم تولیدات فرهنگی نظیر شمارگان (تیراژ) کتاب‌های با مضامین خاص و فراوانی انجمن‌ها و گروه‌های رسمی و غیررسمی؛
- ۳- رصد میزان تأثیرپذیری مردم. منظور ظهور تأثیرات جریانات مختلف فرهنگی در رفتار، در عقاید و باورها و گرایش‌ها می‌باشد (الویری، ۱۳۸۲).

هر جریان یا روند فرهنگی در سه قلمرو قابل‌بازشناسی است: ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی. در بحث ارزش‌سنجی با ژرف‌ترین لایه‌های فرهنگی سرو کار داریم و با مطالعه ژرفایی در مورد نگرش نسبت به ارزش‌ها می‌توان این ارزش‌ها را سنجید. در مورد نگرش‌ها، مهم‌ترین مسئله، تلقی افراد یا میزان موافقت یا مخالفت آنها با پدیده یا جریان فرهنگی است. در واقع مسئله این است که افراد تا چه حد با امری خاص موافقت و تا چه حد مخالف. بُعد سوم سنجش رفتارهای فرهنگی است. این امور به خارجی‌ترین لایه‌های فرهنگ یعنی رفتار فرهنگی

برمی‌گردد. در اینجا زبان، سبک زندگی، اوقات فراغت، فرهنگ مصرفی، کالاهای فرهنگی و فضاهاى فرهنگى قابل مطالعه و بررسى مى‌باشند.

باید توجه داشت که سه محور فوق در رابطه با زمان قرار مى‌گیرند و در واقع با سه جهت زمانى در مورد پدیده‌هاى فرهنگى مواجه‌ایم. آنهایی که دارای ثبات نسبی‌اند، آنهایی که نوپدیدند و آنهایی که رو به زوال می‌روند. کل این فرایند در ترکیب با هم چارچوبی فراهم می‌سازند که به واسطه آن می‌توان به رصد جریان‌های فرهنگی پرداخت.

پس از شناسایی قلمرو، سطوح و شاخص‌های جریان‌ها و پدیده‌های فرهنگی، لازم است که آنها اولویت‌گذاری شوند. معیار اولویت‌گذاری برحسب نوع تلقی حکومتی، دانشگاهی و عامیانه فرق خواهد کرد. الویری، در این زمینه سه معیار را به قرار زیر بیان می‌کند:

۱- عمومی بودن: یعنی درصد بیشتری از مردم را به خودش مشغول کرده و بر زندگی‌شان اثرگذار است. برای مثال تلویزیون می‌تواند یک پدیده فرهنگی باشد، چون اکثریت مردم با آن سرو کار دارند و تحت تأثیر برنامه‌های مختلف آن قرار می‌گیرند؛ برنامه‌هایی که قادرند به ایجاد باورها، نگرش‌ها و تغییر رفتار در بین افراد بینجامند.

۲- داشتن قدرت تأثیرگذاری بالا (در حیطه ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها-گرایش‌ها- و رفتارها): یعنی هر پدیده و جریان فرهنگی که بتواند به مثابه عامل اصلی، افراد را به جنبش و حرکت وا دارد، قابلیت بررسی و ارزیابی را داراست.

۳- متوجه اصلی‌ترین ارزش‌ها و باورها بودن: یعنی هر چیزی که متوجه اصلی‌ترین ارزش‌ها و باورهای خاص جامعه باشد، در اولویت بررسی است. این ارتباط لزوماً سلبی نیست، بلکه می‌تواند ایجابی هم باشد^۱ (الویری؛ ۱۳۸۲).

۱- قاعدتاً سه معیار فوق بر اساس منطق علمی و دانشگاهی طرح شده‌اند. بر اساس مصالح سیاسی و حکومتی نیز می‌توان معیارهایی را بیان کرد.

برحسب برداشت‌های محققان اجتماعی و فرهنگی که نام آنها در بحث تعاریف رصد ذکر شد، اولین مسئله در کشور، میزان و نحوه تماس فرهنگی با جهان است. مسئله جهانی شدن در حوزه فرهنگ، تأثیرات بسیار جدی بر جامعه دارد و فرهنگ را در مواجهه با دیگر فرهنگ‌ها قرار می‌دهد. پیامد نزدیک این امر، مسئله مهاجرت فرهنگی است. به این معنا که جسم فرد در یک فرهنگ زندگی می‌کند؛ اما روح و جانش در فرهنگی دیگر است و این دوگانگی یا دو حاشیه‌نشینی فرهنگی در جامعه ما در حال رخ دادن است.

دومین مسئله، فرایند نرم سکولار شدن است. آنچه مشهود است، وقوع نوعی سکولاریزه شدن پنهان در لایه‌های زیرین جامعه است. این واقعیتی است که در حال اتفاق افتادن است و در بدنه حکومت هم این مسئله مورد توجه واقع شده است. در واقع این موضوع رابطه دین و دولت را که در نهایت امری فرهنگی محسوب می‌شود، تعیین خواهد کرد.

اگر دو مسئله فوق را با یکدیگر ترکیب کنیم می‌توان گفت مهم‌ترین پدیده و جریان فرهنگی که جامعه ما درگیر آن است، موضوع تضاد نظام جهانی مدرن با سنت‌ها و آداب دینی است که هنوز نتوانسته‌ایم تعامل و ارتباط این دو مقوله را با همدیگر مشخص سازیم. رابطه و نقش دین نیز در بین این دو هنوز روشن نیست و این امر نیز منجر به بروز برخی مسائل و پدیده‌های فرهنگی شده است. اتفاق نظر وجود دارد که نظام سنتی دینی در سال‌های آینده در چالش با سکولاریزاسیون از یک سو و جنبش‌های معنویت‌خواهی مدرن و شبه‌علمی قرار خواهد گرفت که اگر به آن توجه نشود به مشکل جدی و خطرناک برای آینده کشور در حوزه دینی تبدیل می‌شود (حداد عادل، ۱۳۸۳؛ فیرحی، ۱۳۸۳؛ اکبری جدی، ۱۳۸۱؛ ملکیان، ۱۳۸۳). بخش مهمی از مسائل فرهنگی کشور ما حول رعایت معروف‌ها و منکرات از منظر دین است. به همین دلیل باید به‌طور جدی به این موضوع توجه شود. گفته می‌شود در حال حاضر «ما با فقدان یک نظام مدیریت فرهنگ دینی مواجه‌ایم که

بتواند همه رسانه‌ها، دستگاه‌های رسمی و غیررسمی، حوزه‌های علمیه، تبلیغات دینی، نهادهای مردمی، تحقیقات دانشگاهی و تبلیغات دینی در داخل نظام آموزشی، را به‌طور کلان طراحی کند و به گونه‌ای که اینها همدیگر را خنثی نکنند و با یک برنامه زمان‌بندی شده بتوانند به ارتقای فرهنگی جامعه کمک کنند» (ذو علم، ۱۳۸۱: ۴۶). بنابراین یکی از اهداف رصد فرهنگی، تمرکز بر فرهنگ دینی جامعه و ارزیابی مستمر کم و کیف آن است.

مسئله سوم، میزان مشارکت کشور در فرهنگ جهانی است. به این معنا که ما به‌طور روزافزون تأثیرگذاری فرهنگی خود را در حوزه‌های مختلف از دست می‌دهیم. یعنی ما بیشتر به تحولات فرهنگی اروپا، آمریکا و غیره توجه می‌کنیم و از توان فرهنگی خودمان برای تأثیر بر منطقه‌ای که در آن حیات داریم غافل می‌شویم. در همین زمینه، بحث مازاد فرهنگی بسیار بااهمیت است. «درحال حاضر میزان دریافت و میزان صادرات ما در حوزه فرهنگ مناسب نیست. یعنی ما دارای بیلان منفی فرهنگی هستیم و میزان وارداتمان بیش از میزان صادراتمان است. از سوی دیگر ما با کسر بودجه فرهنگی مواجه‌ایم. به بیانی اقتصادی‌تر، میزان استفاده ما از ذخایر فرهنگی مان بسیار بیشتر از میزان انباشتن بر ذخایر فرهنگی مان است. یعنی ما به فرهنگ چیزی اعطا نمی‌کنیم و در همان حال از ذخایرش به شدت بهره‌برداری می‌کنیم» (آشنا، ۱۳۸۲؛ اکبری جدی، ۱۳۸۱).

به سه مسئله فوق می‌توان مسئله چهارمی را نیز اضافه کرد که برای کشور ایران اهمیت زیاد دارد. این موضوع به نحوه تعامل دولت و فرهنگ باز می‌گردد. قاعدتاً باید منطق و موازین مداخله دولت در فرهنگ مشخص شود. باید نشان داد که فرهنگ تا چه سطوح و لایه‌هایی فراتر از جهت‌دهی و دخالت است و در چه ابعادی به دخالت دولتی نیاز دارد. امور برنامه‌ریزی فرهنگی و دخالت فرهنگی چه نسبتی با یکدیگر دارند. این مسئله به موضوع مهم و پردامنه اخیر «مهندسی فرهنگی» نیز مرتبط می‌شود. در واقع در این مرحله، حدود و کیفیت مهندسی

فرهنگ بر حسب ابعاد و مشخصه‌های حوزه‌های مختلف تعیین می‌گردند.

بعد از اولویت‌گذاری این جریان‌ها، امر بررسی و کاوش آنها آغاز می‌شود. برای این عمل، پیگیری مراحل زیر ضرورت دارد:

نخست لازم است ادبیات موجود در مورد مباحث فرهنگی کاوش شود تا مشخص گردد جامعه در معرض چه نوع پیام‌ها و جنبش‌های فرهنگی قرار گرفته است. گستره این ادبیات از روزنامه‌ها، نشریات تخصصی، تولیدات فرهنگی و هنری، پژوهش‌ها، کتب و سایر آثار مکتوب گرفته تا گفته‌ها و جلوه‌های دیداری و بصری مختلف در حوزه فرهنگ را شامل می‌شود.

دوم، مقوله‌بندی و بررسی منظم است. در این مرحله مشخص خواهد شد که یک جریان فرهنگی از چه جهات نظری می‌بایست تحلیل و ارزیابی شود. این امر در روشن‌تر شدن دیدگاه‌ها نسبت به شناخت جریان فرهنگی تأثیر به‌سزایی دارد. به عبارت دیگر در این بخش، ادبیات موجود در مباحث فرهنگی پس از طرح اولیه، در قالب نظری خاصی مطرح می‌شوند. عدم شناخت این قالب‌های نظری، موجب مشوش شدن مباحث فرهنگی و ابعاد مختلف آن خواهد شد.

سوم، تفکیک و تمیز بعد از تحلیل است. پس از شناسایی جریان‌های فرهنگی در جامعه و طرح آنها، برحسب اهمیت هر کدام و ضرورت ارایه راهکارهایی جهت تحلیل و نیز تأثیر آنها در جامعه، اولویت‌گذاری و دسته‌بندی می‌شوند. معمولاً ملاک اولویت‌گذاری جریان‌های عمده فرهنگی برحسب تأکید محققان، اهمیت آن از نظر تناسب با اهداف جمهوری اسلامی و نیز تأکید عموم مردم بر آن مشخص می‌شود.

در مرحله تحلیل، اولین کار نگرستن به جریان فرهنگی مشخص شده از دیدگاه‌های مختلف، به‌ویژه از دیدگاه صاحب‌نظران و نخبگان حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، دین و ... است. در این بخش هدف عمده، تعیین ابعاد و جوانب گوناگون آن است. ابتدا خود جریان فرهنگی تعریف

می‌شود و آنگاه ابعاد مختلف آن ذکر می‌گردد. به دنبال آن، ادبیات نظری موجود و یا اطلاعات موجود راجع به آن جمع‌آوری می‌شوند و در نهایت ارتباط و نیز تأثیر (هر یک از) جریان‌های فرهنگی با سایر عوامل و مسائل اجتماعی مشخص می‌شود. به عبارت دیگر ارتباط موضوع مذکور با بخش‌های مختلف جامعه مثل اقتصاد، خانواده، دین، نظام قشربندی، سیاست و غیره مشخص می‌شود. تمام مراحل فوق، بحث تحلیل و تبیین روند و جریان فرهنگی را شکل می‌دهند.

از نظر به‌کارگیری روش برای اجرا و نحوه عملکرد بالا، روش‌های مختلفی ممکن است به کار گرفته شود. برحسب نوع شناسایی پدیده، مسئله و یا جریان فرهنگی، نوع روش نیز متفاوت خواهد بود. اما به‌طور کلی باید گفت که در اینجا روش محوری فراتحلیل و یا تحلیل ثانویه اطلاعات و داده‌های مربوط به حوزه فرهنگی است؛ البته در مواردی که لازم باشد، روش‌های تحلیلی - پیمایشی و نیز برخی دیگر از روش‌های کیفی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. اگر به هر دلیل در جامعه‌ای مردم به پژوهشگران اعتمادی نداشته باشند و نوعی بیگانگی بین پژوهشگر و افراد مورد پژوهش وجود داشته باشد، این روش‌های کمی (از جمله نظرسنجی‌ها) به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

از آنجا که پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی طیفی‌اند، نمی‌توان روش واحدی برای مطالعه آنها معرفی کرد و همه مسائل و پدیده‌ها را برحسب آن ارزیابی کرد. جایی که بحث آینده مدنظر است، باید از سازوکارهای آینده‌پژوهی استفاده کرد. هنگامی که تأثیر یک پدیده بر افراد مراد است، می‌بایست به روش‌هایی چون نظرسنجی اتکا کرد. در جایی دیگر مصاحبه‌های کیفی عمیق لازم است به‌کار گرفته شوند. در نتیجه نباید ادعا کرد که نظام رصد فرهنگی باید به یک روش خاص روی بیاورد. با توجه به اینکه در تحلیل پدیده‌ها و جریانات فرهنگی با سه قلمرو ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی سروکار داریم، بالطبع با سه روش نیز مواجه خواهیم بود. یکی روش سنجش ارزش‌هاست که با روش‌های ژرفانگر

و روش‌های کیفی و مطالعات عمقی امکان‌پذیر است؛ سرگذشت پژوهشی و پانل، مصاحبه‌های عمقی و مشاهده توأم با مشارکت در اینجا کاربرد دارد. در سطح سنجش نگرش، ما با پرسشنامه و مصاحبه‌های ساخت‌یافته مواجه‌ایم و در حوزه مشاهده رفتارها، با مشاهده مشارکتی فعال و غیرفعال و یا هر دوی آنها سروکار داریم. البته لازم به ذکر است که مجموعه نظام رصد فرهنگی در موارد بسیار استثنایی و محدود به چنین روش‌های مطالعاتی می‌پردازد. از آنجا که نقش رصد فرهنگی دیدن و ارزیابی دورنمای جریان‌های فرهنگی است، به‌طور عمده مواد و داده‌های مورد نیاز را از پژوهش‌هایی که در حوزه فرهنگ انجام گرفته‌اند، اخذ می‌کند و از طریق فراتحلیل، تحولات و تغییرات حوزه فرهنگ کشور را ارزیابی می‌کند و آینده و سمت و سوی این تحولات را به سیاست‌گذار نشان می‌دهد. برای مثال پژوهش‌هایی که در وزارت ارشاد یا سازمان‌های فرهنگی دیگر انجام شده یا در حال انجام شدن است، برای نظام رصد فرهنگی مواد اولیه و داده‌ها و اطلاعات مهمی فراهم می‌سازند.

پژوهش‌هایی چون مصرف کالاهای فرهنگی، بحث فضای فرهنگی و نیز بحث مشاغل فرهنگی چون ماهیت تحلیلی ندارند و صرفاً به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخته‌اند، با یک تحلیل ثانوی می‌توان در این حوزه‌ها تحولات و جریاناتی را که در حال وقوع‌اند نشان داد و نیز ارزیابی‌های دقیقی در مورد آینده‌شناسی این جریانات در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار دارد (آشنا، ۱۳۸۲).

نکته مهم این است که روح حاکم بر این روش‌ها باید بومی بوده و متناسب با هنجارهای فرهنگی جامعه باشد؛ یعنی کلیه این روش‌ها در ظرفی به نام «بومی بودن» قرار گیرند و رنگ و بویی ملی به خود بگیرند.

نکته مهم در امر روندپژوهی، بحث تشکیلات تحقیق است. مرکزی باید به‌طور مداوم مسائل فرهنگی جامعه را رصد نماید، خلأهای موجود را شناسایی کند، سمت و سوی حرکت‌ها را تحلیل و برای هدایت آنها برنامه‌ریزی کند. مرکز

مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی که مرکز رصد فرهنگی کشور تلقی می‌شود با انسجام‌بخشی به نهادهای فرهنگی از تکرار کارهای موازی جلوگیری می‌کند. طبق مصوبات شورا، مرکز موظف است با همکاری نهادهای فرهنگی دیگر این کار را به صورت تخصصی سامان دهد.^۱ وقتی نتایج کار رصد به شورای عالی می‌رسد، کار به دو حوزه تقسیم می‌شود: حوزه ستادی، که شورای عالی به عنوان مغزافزار مرکزی آن را انجام می‌دهد و سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی می‌کند. بخش دیگر، صف است که کار اجرایی و عملیاتی انجام می‌دهد (کی‌نژاد، ۱۳۸۷).

مرکز باید از امکانات مختلف نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و از همه مهم‌تر مغزافزاری برخوردار باشد و متخصصان مختلف را در حوزه‌های فرهنگی، علوم معرفتی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علوم سیاسی و روان‌شناسی جذب کند. نخبگان و کارشناسان باید با هم در ابعاد نظری و عملی ارتباط دائمی داشته باشند و به‌طور هماهنگ با یکدیگر در عرصه‌های متفاوت داده‌پردازی نمایند. شایسته است ایشان مدتی با یکدیگر تعامل گفتاری و تبادل نظر داشته باشند تا نوعی زبان مشترک بینشان ایجاد شود و سپس با مسائل واقعی مواجه گردند. در سطحی عام‌تر باید بین همه دست‌اندرکاران اجرایی فرهنگ، صاحب‌نظران و نخبگان حوزه فرهنگ، درخصوص مسائل و جریان‌ات فرهنگی وفاق حاصل گردد، زیرا امر مسئله‌شناسی و جریان‌شناسی فرهنگی به تعامل مستمر محققان و مجریان دستگاه‌های اجرایی نیاز دارد. بنابراین باید سازوکاری طراحی و تدوین شود تا نیروهای هر دو بخش نظری و عملی فرهنگ با هم تعامل همیشگی داشته باشند و این تعامل و تبادل نظر در جهت حصول وفاق و تحکیم بخشیدن به آن باشد.

نکته مهم دیگر اینکه، مرکز باید از تنگ نظری‌های معمول دوری کند و با دیدی ملی، مصلحت‌اندیشی و حقیقت‌یابی کند. خطر بزرگ کارهایی نظیر رصد فرهنگی این است که کار در اختیار نهادهای سیاسی و قضایی قرار گیرد و کنترلش

۱- ر.ک. مصوبه ۵۷۶ در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۳۰، مجموعه مصوبات، کتابخانه و مرکز اسناد دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

از حوزه فرهنگ به حوزه سیاست منتقل گردد(محمدیان، ۱۳۸۲؛ آشنا، ۱۳۸۲).

۱-۲- تصمیم‌پژوهی^۱

تصمیم‌پژوهی روش تبدیل یافته‌های تحقیقات به استراتژی و دستورالعمل است. هدف این مرحله نزدیک کردن نتایج پژوهش‌ها به حوزه عمل و اجراست. در اینجا، هدف پژوهش‌ها، طرح راهکارها و الگوهایی است که بتوان در عمل بر مبنای آنها کار کرد. تصمیم‌پژوهی یعنی چگونگی راهبری تحلیل یک موضوع تا رسیدن به مرحله راهکار. این نوع سیاست‌پژوهی درصدد ارایه اطلاعات و راه‌های مقتضی برای سیاست‌گذاران جهت حل مسائلی است که امروزه با آنها مواجه‌ایم. در واقع می‌توان گفت تصمیم‌پژوهی فرایند نگرش به یک مسئله اجتماعی یا فرهنگی مهم به منظور اخذ تصمیم و اتخاذ سیاست یا ارائه توصیه‌های سودمند برای حل آن است.

این مرحله از رصد فرهنگی که خلأ آن در کشور به روشنی احساس می‌شود، واسط و میانجی بین نظریه‌ها (منظور تحلیل‌ها و یافته‌های پژوهشی) و سازمان‌ها (یعنی کارگزاران اجرایی و اداری) است.

در این مرحله از رصد باید به دو اقدام اساسی اندیشید:

۱- ارتباط با متخصصان فرهنگ‌شناس: برای بررسی همه جانبه مسائل و اتخاذ تصمیم‌های شایسته، به متخصصان فرهنگ‌شناس نیاز است. بدین منظور باید حوزه مطالعات فرهنگی در کشور تقویت گردد. مطالعات فرهنگی حوزه‌ای بین‌رشته‌ای است که شامل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و ارتباطات می‌شود. این چهار تخصص با یکدیگر جمع می‌گردند و تخصص فرهنگ‌شناسی را که یک تخصص بین‌رشته‌ای است ایجاد می‌کنند.

۱- گفته می‌شود که در مهندسی فرهنگی، یکی از مراحل کار، کاوش تصمیمات و سیاست‌هاست؛ بنابراین می‌توان تصمیم‌پژوهی را از شمار مراحل رصد فرهنگی حذف کرد. از آنجا که این نوع تفکیک، لزوماً بر پایه مصلحت‌های سازمانی و اجرایی صورت می‌گیرد، از نظر علمی معنی برای حضور آن در زیرمجموعه رصد فرهنگی ایجاد نمی‌کند.

۲- ارتباط با بخش‌های نظام اجتماعی: برای بررسی اثرات و سطوح پوشش و تاثیرگذاری تصمیم‌های فرهنگی. نظام رصد باید با سایر بخش‌های نظام اجتماعی مانند سیاست، دین، خانواده، اقتصاد، نظام قشربندی و غیره ارتباط بیشتری برقرار کند. در واقع باید برحسب قواعد و معیارهای معینی، اشکال مختلفی از ارتباط اعم از دیداری (جلسات هم‌اندیشی)، نوشتاری، نقد و ارزیابی، نظرخواهی و غیره را پیش‌بینی کرد و تلاش کرد که این ارتباط منظم و نهادمند گردد. این قواعد و معیارها باید تضمین کنند که نظرها و تصمیم‌ها به صورت بین‌رشته‌ای از منظرهای جامعه‌شناسی، روانشناسی، مردم‌شناسی و ارتباطات ارایه گردند.

فعالیت‌های دوگانه فوق چارچوبی را فراهم می‌سازند که به‌واسطه آنها می‌توان جریان‌ها و پدیده‌های فرهنگی را که حالت مریض و بیمارگونه دارند از جریان‌های مثبت و سازنده تشخیص داد و در جهت تضعیف اولی به نفع تقویت دومی عمل کرد. با توجه به بین‌رشته‌ای بودن پدیده‌های فرهنگی، تبیین و اتخاذ تصمیم در مورد آنها نیز نیازمند تخصص‌های چندرشته‌ای است. پدیده فرهنگی مثل همه موضوعات و پدیده‌های دیگر، یک پدیده صرفاً فرهنگی نیست؛ یعنی باید فرهنگ را در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اش تحلیل کرد. پس علاوه بر اینکه جهت تحلیل و ارزیابی یک موضوع فرهنگی لازم است که خود آن موضوع درست ارزیابی شود، در عین حال باید ارتباط آن با سایر بخش‌های جامعه نیز مشخص گردد و پیامدها و تأثیرات متقابل این دو بر همدیگر سنجیده شود (الویری، ۱۳۸۲).

به‌طور کلی باید سه نوع پژوهش بنیادی، کاربردی و راهبردی در مسئله رصد فرهنگی در نظر گرفته شود تا بتوانیم ماحصل رصد را به سیاست‌های بازدارنده یا حمایت‌کننده تبدیل کنیم. برای پژوهش‌های بنیادی به پژوهش‌های تاریخی، مفهومی و پدیدارشناختی نیاز است. برای پژوهش‌های کاربردی به سه نوع پژوهش همسو با قلمرو ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها نیاز است و بسته به نوع و

سطح مسئله فرهنگی، روش‌های مختلفی به کار گرفته خواهد شد. برای سنجش ارزش‌ها - که عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ‌اند - روش‌های ژرفانگر، کیفی و مطالعات عمقی نظیر سرگذشت‌پژوهی، مطالعه طولی^۱، گروه‌های کانونی^۲، مصاحبه‌های عمقی و مشاهده‌های عمیق به کار می‌آیند؛ برای سنجش نگرش‌ها، از پرسشنامه و مصاحبه‌های ساخت‌یافته استفاده می‌شود و جهت مشاهده رفتارها - که خارجی‌ترین لایه‌های فرهنگ‌اند - به مشاهده مشارکتی فعال و غیرفعال روی آورده می‌شود. اما محور اصلی مطالعه ما در این بخش (پژوهش‌های کاربردی) باید رفتارهای قابل مشاهده موجود، رو به ظهور و رو به زوال و تغییر باشد.

پژوهش‌های راهبردی، مهم‌ترین شکل تحقیق در مرحله تصمیم‌پژوهی هستند. این نوع مطالعات، پژوهش‌های بنیادی و کاربردی را در سیاست‌گذاری نقد می‌کنند و به قانون و سیاست تبدیل می‌کنند (آشنا، ۱۳۸۲).

۱-۳- آینده‌پژوهی

مفهوم «آینده» تا قبل از شکل‌گیری علم مدرن، متعلق به عالمی فراتر از زندگی و تصور انسان و دور از دسترس او بود؛ اما امروزه این مفهوم به واژه‌ای پرکاربرد و حتی قابل کنترل تبدیل شده است. این نوع جهت‌گیری انسان و علم حاضر در برخی آثار با نام «شوک آینده» تعبیر شده است. «شوک آینده، از عصری خبر می‌دهد که در آن، «دوام» پایان پذیرفته و انقطاع از گذشته و برخورد با آینده، مهم‌ترین فعالیت بشر شده است» (محمدیان، ۱۳۸۲؛ آشنا، ۱۳۸۲).

در قرن بیستم، ضرورت آگاهی از روند تغییرات اجتماعی، به شکل‌گیری

1- Panel:

روش پژوهشی که در آن، همان نمونه از پاسخ‌دهندگان در چند مقطع زمانی در معرض پرسش قرار می‌گیرند

2- Focused groups

شاخه و رشته علمی نوینی موسوم به مطالعات آینده^۱ یا آینده‌پژوهی^۲، آینده‌شناسی^۳ یا آینده‌اندیشی^۴ منجر شده است. گاهی برای این مفهوم در کنار مفاهیم مطرح شده، از مفهوم «چشم‌انداز»^۵ نیز استفاده شده است (پایا، ۱۳۸۲: ۷۸). هدف این رشته علمی که با معادل‌های شناخته‌شده‌تری مانند آینده‌نگری، فرابینی یا پیش‌بینی نیز مطرح شده است، شناسایی و درک نیروها و عوامل موثر در تغییرات بنیادین زندگی برای به‌دست دادن تصویری از تغییرات کمی و کیفی در آینده دور یا نزدیک است.

در علم آینده‌شناسی، بین سه مفهوم «پیش‌بینی»، «پیش‌گویی» و «آینده‌نگری» تفاوت وجود دارد^۶. مفهوم آینده‌پژوهی یا آینده‌شناسی، اعم از پیش‌بینی و پیش‌گویی‌های فلسفی و عالمانه است. در آینده‌پژوهی، آینده ضرورتاً تداوم گذشته و حال تلقی نمی‌شود و از این نظر کمتر تحت تاثیر کمیت‌سنجی و نتیجه‌گیری‌های روندی است^۷. از این نظر آینده‌پژوهی ممکن است به پیش‌گویی نزدیک شود اما از این حیث که آینده را وضعیتی قابل کنترل و قابل تغییر می‌بیند با پیش‌گویی متفاوت است. در آینده‌پژوهی، فرض این است که آینده حاصل تعامل بازیگران مختلف با اهداف و مقاصد خاص است (پایا، ۱۳۸۲: ۷۹). به بیان دیگر، آینده یک زمان غیرقابل پیش‌گویی،

1- Future studies

2- Future research

3- Forecasting

4- Foresight

5- Perspective, prospect.

۶- پیش‌بینی مفهومی است که یا «برپایه یک روند مداوم قرار دارد یا براساس احتمالات معین پیش می‌رود. در واقع نوعی حدس منظم راجع به پدیده است» (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۳۸). پیش‌بینی به معنای «ارزشیابی یک روند با درجه‌ای از اطمینان (احتمال) در طول یک دوره خاص است» (پایا، ۱۳۸۲: ۷۸). پیش‌بینی «شناخت و تجربه و تحلیل گذشته و حال برای فهم آینده است» (آزاد ارمکی و همکاران ۱۳۷۹: ۶). در واقع این اصطلاح، «نوعی بسط دادن وقایع گذشته و حال به آینده است که اساساً بر فرض‌های خاص برای تداوم یا تغییر روندها مبتنی است» (روشه، ۱۳۷۲: ۳۲).

در کنار مفهوم پیش‌بینی، گاهی از مفهوم پیش‌گویی نیز به عنوان اصطلاح متناظر آن استفاده می‌شود، اما این واژه با پیش‌بینی متفاوت است. «پیش‌گویی ملهم از قوانین و پژوهش‌های علمی نیست، بلکه برعکس از تفکری که اصل آن در ایده‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات یا وحی یافت می‌شود ناشی می‌گردد... پیش‌گویی از نوعی تفکر فوق‌علمی ریشه می‌گیرد و معمولاً با نوعی انتقاد از وضعیت موجود و در عین حال شکلی از اطمینان مشخص می‌شود» (روشه، ۱۳۷۲: ۳۴-۳۳).

۷- گاهی معادل آن، از مفهوم «چشم‌انداز» استفاده شده است.

غیرمقدّر، غیربديهی، قابل تغییر و کنترل است (فراستخواه، ۱۳۸۲).

در بحث روش‌ها و مدل‌های آینده‌پژوهی، به سه روش تفکر عینی (مبتنی بر مدل‌ها، تکنیک‌ها و روش‌های آماری و تحلیلی آینده)، تفکر ذهنی (مبتنی بر آرمان‌ها و آرزوها و الگوهای تخیلی علمی فرد آینده‌نگر) و تفکر سیستمی (مبتنی بر الگوهای ساختاری و درون‌داد و برون‌دادهای یک سیستم) اشاره شده است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۷۹ به نقل از تهرانیان، ۱۳۵۳).

در حال حاضر، در ادبیات اجتماعی موضوع، گروهی با رویکردهای انتقادی، تشدید مخاطرات و بحران‌های فیزیکی و اکولوژیک ناشی از صنعتی شدن را در آینده‌خاطر نشان می‌سازند (براون و همکاران، ۱۳۷۰؛ گیدنز، ۱۳۸۰، ۱۳۸۲؛ بک ۱۹۹۲، ۱۹۹۹). برخی نیز خود را نگران از آسیب‌های محتمل فرهنگی - هویتی در جامعه آینده نشان می‌دهند (پستمن، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۲؛ عاملی، ۱۳۸۲، به نقل از اندرسون، ۱۹۹۷). قطعاً عوامل و تهدیدها و نگرانی‌های جهانی، گرایش به مطالعات آینده‌شناسی را افزایش داده است.

آینده‌پژوهی در حوزه فرهنگ دو هدف نسبتاً مجزای زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- اثرسنجی کردارها و تصمیم‌های فرهنگی: در اینجا مطالعه اثرات و نتایج راهکارهای پیشنهادی و اجرا شده در جامعه و در میان بخش‌های فرهنگی مورد نظر است و از این حیث، وجهه ارزیابانه یا ارزشیابی به خود خواهد گرفت. یکی از مشکلات تحقیق به ویژه تحقیقات کاربردی در ایران این است که به ارزیابی راهکارهای حاصل از پژوهش‌ها توجه نشده است. در کشور ما کارهای تحقیقات فراوانی انجام شده، اما ارزیابی نتایج آنها به خوبی صورت نمی‌گیرد. از قضا نتایج و راهکارهای جدید برای حل مسائل از دل تحقیقات یا تحقیقات ارزش‌یابانه به دست می‌آید.

- ۲- شناسایی سمت و سوی آتی پدیده‌های فرهنگی: هدف و جهت دوم مطالعات آینده‌پژوهی، شناخت آینده یک پدیده و جریان فرهنگی است. این

هدف نوعی چشم‌انداز به فرهنگ در آینده است. در اینجا هدف این است که با توجه به تغییرات موجود و با تأکید بر تحلیل وضعیت حاضر و پیش‌بینی عوامل تأثیرگذار، زمان و تحولات فرهنگی آینده یک پدیده فرهنگی به گونه‌ای محسوس‌تر و کاربردی‌تر مشخص شود. این عمل جهت فعالیت‌ها و نگرش‌های مجریان حوزه فرهنگی را مشخص و روشن می‌سازد. در ضرورت این امر محققان متفق‌القول معتقدند رصد فرهنگی تحولاتی که در آینده به وجود خواهند آمد برای کشور بسیار مهم است زیرا می‌توان در آن مسیر، توان فرهنگی خود را فعال کرد (اکبری جدی، ۱۳۸۱، ۴۱).

به‌طور کلی اگر آینده‌پژوهی را نوعی آینده‌سازی در نظر بگیریم، یعنی ساختن آینده‌ای که به لحاظ فرهنگی مطلوب است، در آن صورت افق مطلوب ما می‌تواند همان قانون اساسی و برنامه‌های توسعه ملی و چشم‌اندازهای بلندمدت از جمله چشم‌انداز ۲۰ ساله باشد.

۲- رصد به مثابه هدف

اگر بخواهیم رصد فرهنگی را به منزله مجموعه‌ای از اهداف تلقی کنیم، باید نخست اهداف و مقاصد و نیت مرتبط با به‌کارگیری آن را مدنظر قرار دهیم. یعنی باید دانست که هدف از کاربست روندپژوهی، تصمیم‌شناسی و آینده‌پژوهی فرهنگی در کشور چیست. چه مقاصدی برای این اعمال متصور است. برای درک اهداف رصد فرهنگی باید به منویات و خواسته‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی اندیشید. به همین دلیل، نقطه عزیمت الگوی رصد فرهنگی باید رسالت فرهنگی کشور باشد که در قانون اساسی، رسالت‌های فرهنگی کشور و بیانات مقام معظم رهبری و سایر مسئولان کشور متجلی است. بنابراین در رصد فرهنگی، پیش از هر چیز باید محورها و موضوعات زیر را به عنوان اهداف و منویات پایدار کشور در نظر داشت.

به عبارت دیگر، رصد در جمهوری اسلامی، مترصد اهداف فرهنگی زیر است:

- ۱- تلاش برای استقلال فرهنگی و نفی سلطه و استعمار فرهنگی؛^۱
- ۲- برقراری عدل و قسط اسلامی؛^۲
- ۳- ایجاد محیط رشد اخلاقی و معنوی انسان در حرکت به سوی نظام الهی، گسترش تقوا و ایمان و تهذیب در جامعه و دانشگاه؛^۳
- ۴- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت فرهنگی خود؛^۴
- ۵- تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار در زمینه فرهنگی؛^۵
- ۶- تصحیح فرهنگ عمومی به عنوان تضمین‌کننده آینده کشور با تأکید بر گسترش فرهنگ کار، انضباط اجتماعی و فرهنگ مصرف و دوری از تجمل‌گرایی؛^۶
- ۷- گسترش روح خودکفایی، خودباوری و اعتماد به نفس؛^۷
- ۸- مقابله با اشکال مهاجم فرهنگی؛^۸

-
- ۱- ر.ک. قانون اساسی، اصل ۲؛ حضرت امام خمینی (ره) صحیفه نور، ج ۵، ج ۷، ج ۸، ج ۱۰، ج ۱۱، ج ۱۲، بیانات ۱۳۵۷/۱۲/۲۹، ۱۳۵۸/۸/۷، ۱۳۵۸/۵/۵، ۱۳۵۸/۶/۳۱، ۱۳۵۸/۱۱/۲؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۷/۱/۲۱ و ۱۳۷۹؛ اصول و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)؛ اصول و سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ اصول و سیاست‌های صدا و سیما.
 - ۲- ر.ک. قانون اساسی، اصل ۲؛ حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ج ۷، ج ۲۱؛ اصول و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی؛ اصول و سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد؛ اصول و سیاست‌های صدا و سیما؛ آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی.
 - ۳- ر.ک. قانون اساسی، مقدمه و اصل ۲؛ حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ج ۷، بیانات ۱۴ دی ۶۳ ج ۱۹؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۶۵/۹/۱۵ و ۱۳۶۵/۹/۱۶؛ اصول و سیاست‌های فرهنگی نظام؛ اصول و سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ اصول و سیاست‌های صدا و سیما.
 - ۴- قانون اساسی، اصل ۳؛ حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۴، ج ۱۹، ج ۲۱؛ اصول و سیاست‌های فرهنگی نظام، اصول و سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ اصول و سیاست‌های صدا و سیما؛ اصول و سیاست‌های سازمان تبلیغات اسلامی.
 - ۵- ر.ک. قانون اساسی اصل ۳؛ اصول و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی؛ اصول و سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی.
 - ۶- حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۶۹/۹/۱۹، ۱۳۸۶/۹/۱۷، ۱۳۷۴/۹/۲۸؛ آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی.
 - ۷- حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ج ۱۱، ج ۱۲، ج ۱۷، بیانات ۱۳۶۷/۷/۱۱. / حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۱/۹/۲۶.
 - ۸- حضرت امام خمینی، بیانات ۱۳۵۸/۶/۳۱، ۱۳۵۹/۱۱/۲؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۱/۹/۹، ۱۳۷۶/۱۱/۴، ۱۳۷۵/۹/۲۵؛ اصول و سیاست‌های سازمان تبلیغات اسلامی.

- ۹- استفاده از علوم، فنون و تجارب پیشرفته بشری و توسعه مراکز علمی و پژوهشی، تحقیقاتی، تربیت و تشویق همه‌جانبه مخترعان و مکتشفان و نیروهای متعهد و متخصص؛
 ۱۰- تلاش برای پیوند حوزه و دانشگاه.^۲

محورهای مذکور، مهم‌ترین اصول و سیاست‌های کلان فرهنگی کشورند که به‌طور مکرر و مستمر مورد تأکید بوده‌اند. رصد فرهنگی با تلقی موارد بالا به عنوان مقصد و رهنمود فرهنگی، کار خود را آغاز می‌کند و همواره به اخذ نتایج و رسالت‌های بالا متعهد است.

بدون شک، محورهای ده‌گانه فوق که مأخوذ از تصریحات مکرر در سیاست‌نامه‌ها، قوانین و گفتارهای مسئولان عالی کشور است، باید به شاخص‌های کوچک‌تر و ملموس‌تری تقلیل یابند که بتوان بر مبنای آنها مطالعه و عمل کرد. برای دسته‌بندی و طرح شاخص‌های کوچک‌تر نیز باید ضمن اهتمام به محورهای کلان یاد شده، ابعاد مختلف فرهنگ را مشخص کرد.

با توجه به این امر، رصد فرهنگی باید دایم در کار پایش دوره‌ای ابعاد چندگانه فرهنگ به قرار زیر باشد:

- ۱- بعد اخلاقی و دینی فرهنگ؛
- ۲- بعد هنجاری و عرفی فرهنگ؛
- ۳- بعد مدنی و تعاملی فرهنگ؛
- ۴- بعد هویتی و تاریخی (ملی) فرهنگ؛
- ۵- بعد مادی و تکنولوژیکی فرهنگ؛
- ۶- بعد اداری و سیاسی فرهنگ؛
- ۷- بعد شناختی و معرفتی فرهنگ.

اگر بخواهیم ابعاد هفت‌گانه را با یکدیگر ترکیب کنیم، می‌توانیم چهار بعد

۱- قانون اساسی، اصل دوم؛ حضرت امام خمینی، بیانات ۱۳۶۷/۷/۱۱، صحیفه نور، ج ۱۷؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۱/۶/۲۹.

۲- حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۲/۹/۲۹.

دینی، مدنی، ملی و عقلانی در فرهنگ را مشخص کنیم. ما در اینجا بر حسب قرابتی که شاخص‌های مختلف بالا با یکدیگر دارند، مؤلفه‌های اخلاقی و دینی را در زیرمجموعه بُعد دینی، ابعاد هنجاری و تعاملی و اداری را در زیرمجموعه بُعد مدنی، مشخصه‌های هویتی و تاریخی و سیاسی را در زیرمجموعه بُعد ملی و مؤلفه‌های مادی و علمی (اقتصاد و تکنولوژی) را در زیرمجموعه بُعد عقلانی فرهنگ قرار می‌دهیم.^۱ به این اعتبار باید گفت فرهنگ هر کشور تلفیق دیانت، ملیت، تمدن و نگرش‌های عقلانی و علمی آن است. در ادامه به بررسی شاخص‌های زیرمجموعه ابعاد چهارگانه مذکور می‌پردازیم:

۲-۱- بُعد دینی

منظور شاخص‌های اخلاقی و مذهبی موجود در هر فرهنگ است که در زیر به اهم آنها اشاره می‌کنیم:

۱- فرهنگ معرفت و اعتقادات دینی در جامعه حول اصول و ارزش‌های دینی با تأکید بر:

- توحید و یکتاپرستی (خدایمحوری)؛
- نبوت و سرپرستی؛
- معاد (قیامت، روز حساب ...)
- مراجعه به کتب و رسائل دینی؛
- اخلاق تدبر و تأمل در مضامین قرآنی و مذهبی؛
- سطح و نوع تلقی از فرائض دینی؛
- ...

۱- این دسته‌بندی با تعریفی که از فرهنگ ارائه کرده‌ایم تناسب دارد. هر دسته‌بندی دیگری، بسته به منظر محقق به موضوع امکان‌پذیر است. اما به صراحت می‌توان گفت که در هر نوع دسته‌بندی دیگر فقط عنوان و تعبیر تفاوت خواهد کرد و مؤلفه‌ها و نزدیکی آنها با یکدیگر تفاوت چندانی نخواهند داشت. همچنین باید خاطر نشان کرد که درهم‌تنیدگی ابعاد و مؤلفه‌های مختلف فرهنگ باعث می‌شود که جستجوی استدلال و منطقی روشن برای تفکیک مفاهیم و شاخص‌ها دشوار باشد. این مشکل با همه انواع مقوله‌بندی‌ها در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی همراه است. بنابراین همپوشانی و تداخل شاخص‌ها در حوزه‌های مختلف اجتناب‌ناپذیر است.

- ۲- رصد فرهنگ عبادت و ستایش در جامعه با تأکید بر:
- نماز خواندن؛
 - روزه گرفتن؛
 - قرائت قرآن؛
 - حضور یا مشارکت در جلسات قرآن؛
 - انجام عبادات مستحبی در زمان فراغت؛
 - قرائت دعا؛
 - مناجات و ستایش خداوند؛
 - حضور در مساجد و اماکن مذهبی؛
 - ...

۳- رصد فرهنگ معرفت عموم و خواص نسبت به اندیشمندان و علمای دین با تأکید بر:

- حیات علمی، اجتماعی آنان؛
- کیفیت نقل روایات و احادیث؛
- کیفیت کار راویان معتبر و تمییز ایشان از راویان نامعتبر؛
- کیفیت گردآوری و ضبط روایات و احادیث؛
- کیفیت ظهور تفاسیر مختلف؛
- ...

۴- رصد فرهنگ آشنایی و مطالعه آثار بزرگان دین و کتب آسمانی سایر ادیان الهی با تأکید بر:

- مطالعه نهج البلاغه، صحیفه، طب الرضا، و غیره؛
- مطالعه تورات، انجیل، زبور و اوستا؛
- ...

۵- رصد فرهنگ آشنایی عمیق و آگاهی از حیات رسول الله (ص) و ائمه

معصومین علیهم السلام با تأکید بر:

- جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زندگی آنان؛
- علل و عوامل برانگیخته شدن ایشان؛
- فلسفه مقاومت‌ها و نبردهای آنان علیه مظالم؛
- فلسفه وحی و علل نزول آن؛
- واقعه عظیم و پندآموز عاشورا (بر اساس تحقیقات مستند)؛
- غیبت امام زمان (عج) و فلسفه آن؛
- ...

۶- رصد فرهنگ قرآنی، انس با قرآن، قرآن‌خوانی و قرآن‌آموزی با تأکید بر مقولات:

- حفظ و قرائت مصحف شریف؛
- ترجمه‌های صحیح، آسان و به دور از پیچیدگی‌های لفظی و معنایی از قرآن؛
- قرائت معنایی از قرآن و عمل به موازین آن؛
- آشنایی با تفاسیر مختلف این کتاب الهی؛
- ...

- ۷- رصد فرهنگ مشارکت مذهبی به مثابه یک وظیفه اجتماعی با تأکید بر:
- شرکت در نماز جماعت؛
 - شرکت در نماز جمعه؛
 - مشارکت در مراسم جمعی مذهبی نظیر قرائت جمعی ادعیه (دعای کمیل، ...)
 - حضور و مشارکت در مراسم اعیاد مذهبی و ولادت امامان معصوم؛
 - حضور و مشارکت در مراسم عزاداری و سوگواری ائمه و بزرگان دینی؛
 - امر به معروف و نهی از منکر (مشارکت در تبلیغ و اشاعه فرهنگ و اخلاق

دینی)؛

- زکات دادن؛
- خمس دادن؛
- مشارکت در جمع‌آوری وجوه شرعی و کمک‌های مردمی برای کمک به ایتم و نیازمندان؛
- مشارکت در ساختن، تعمیر، تزیین و آماده‌سازی اماکن مذهبی؛
- مشارکت در ساختن اماکن غیرمذهبی مانند سینماها، بیمارستان‌ها و غیره؛
- ...

۸- رصد فرهنگ برنامه‌ریزی فعالیت‌های مذهبی با تأکید بر:

- برنامه‌ریزی فعالیت‌های مذهبی شخصی و جمعی؛
- برنامه‌ریزی زیارت اماکن متبرکه و مقدس؛
- برنامه‌ریزی زیارت اهل قبور و یافتن آرامش؛
- ...

۹- رصد فرهنگ خیررسانی و دیگریاری:

- سطح انفاق و صدقه دادن؛
- سطح کمک و خدمت به هم‌نوع نیازمند؛
- قرض الحسنه؛
- نذر و نیاز و قربانی؛
- گرایش به وقف و فراهم‌آوری امکانات عام المنفعه و عمومی؛
- فراهم آوردن زمینه ازدواج جوانان؛
- مساعدت در تهیه لوازم اولیه زندگی زوج‌های جوان؛
- کمک به برگزاری مراسم ازدواج جوانان؛
- ...

۱۰- رصد فرهنگ تعامل اجتماعی مذهبی (اجتماعی شدن مذهبی):

- سطح صداقت و راستگویی در مقابل دروغ‌گویی؛
- درستکاری در مقابل ریا و تزویر؛
- جهاد و ظلم‌ستیزی؛
- برادری و نوع‌دوستی؛
- امانتداری و وفای به عهد؛
- شهادت، ایثار و جوانمردی؛
- شجاعت و دفاع از مظلوم؛
- خوش‌خلقی و حسن برخورد؛
- صله ارحام و احترام به نزدیکان؛
- اخلاق خانواده؛
- عیادت از بیماران در زمان فراغت؛
- متانت و عفت اجتماعی (حجاب)؛
- فروتنی و تواضع؛
- عفو و بخشش؛
- سطح احسان به والدین و احترام به بزرگ‌تر؛
- تعهدگرایی و التزام؛
- خویش‌داری و عزت نفس؛
- احترام و کمک به افراد ناتوان و دارای ضعف جسمی؛
- رعایت حال زنان و کودکان؛
- ...

۲-۲- بُعد مدنی

مدنیت در بردارنده ابعاد هنجاری، تعاملی و اداری فرهنگ است. در ادامه شاخص‌های زیرمجموعه این محورها بیان می‌شوند:

- ۱- رصد فرهنگ مشارکت شهری با تأکید بر:
 - سطح مشارکت در برگزاری انتخابات و نظرسنجی‌های مهم اجتماعی؛
 - همکاری در زیباسازی شهر و اماکن و معابر عمومی؛
 - مشارکت در ایجاد فضاهای سبز و پرورش گل و گیاه در خانواده و محله زندگی؛
 - همکاری در حفظ نظافت عمومی شهر و محله زندگی؛
 - انضباط اجتماعی در استفاده از امکانات عمومی (اتوبوس‌های خط واحد، تلفن‌های عمومی، پارک‌ها و مراکز تفریحی و ...) و برخورد با پدیده تخریب‌گری اجتماعی (وندالیسم)؛
 - مشارکت در حفظ و حراست از آثار و میراث فرهنگی شهر و محله؛
 - مشارکت در شوراهای محل و مراکز تصمیم‌گیری برای محله؛
 - مشارکت در انتخابات و انجمن‌های شورای شهر؛
 - فرهنگ آپارتمان‌نشینی و تحمل همسایه؛
 - مشارکت در امر پرداخت عوارض و مالیات‌های شهری؛
 - فرهنگ معاشرت و روابط همسایگی؛
 - سطح همکاری با نهادهای متولی امور شهری اعم از شهرداری، مخابرات و غیره؛
 - عضویت و حضور در سازمان‌های غیردولتی خیریه؛
 - مشارکت در طرح‌های موقت شهری مانند طرح استقبال از بهار؛
 - ...
- ۲- رصد فرهنگ مشارکت انتظامی در جامعه با تأکید بر:
 - دانش و آگاهی به قوانین عبور و مرور؛
 - میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی (فرهنگ رانندگی)؛
 - میزان شناخت نسبت به آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی؛
 - میزان همکاری با نیروهای انتظامی؛

- مشارکت در برقراری نظم و امنیت اجتماعی؛
- آگاهی از احکام انتظامی - قضایی درباره تخلفات شخصی و پذیرش آنها؛
- احترام متقابل میان نیروی انتظامی و مردم؛
- انزجار از جرایم مدنی و عمومی؛
- احترام و پذیرش احکام قضایی؛
- مشارکت در پژوهش و آموزش امور انتظامی جامعه؛
- ایجاد حس اعتماد عمومی نسبت به نیروی انتظامی؛
- ...

۳- رصد فرهنگ مشارکت در امور امدادی و غیرمترقبه در جامعه با تأکید بر:
- فرهنگ شناخت و آگاهی نسبت به حوادث احتمالی غیرمترقبه منطقه و محیط زندگی؛

- سطح نوع دوستی و کمک به نیازمندان (شرکت در جشن‌های نیکوکاری)؛
- سطح شرکت در گروه‌های امدادی (گروه بحران) در رفع مشکلات و حوادث غیرمترقبه؛

- عضویت و همکاری با سازمان‌های رسمی و داوطلبانه متولی امداد و نجات؛

- مشارکت نقدی، جنسی و فکری به آسیب‌دیدگان حوادث؛
- فرهنگ آمادگی و پشتیبانی به هنگام وقوع حوادث غیرمترقبه؛
- مشارکت در امدادرسانی به مجروحان ناشی از تصادفات رانندگی؛
- مشارکت در اهدای خون؛
- فرهنگ مشارکت در معالجه بیماران (اعم از عادی، صعب‌العلاج و...)
- ...

۴- رصد فرهنگ ایمنی در جامعه:

- آگاهی نسبت به قواعد و موازین ایمنی محل سکونت خود؛

- آگاهی و دانش نسبت به گونه‌های حوادث تهدیدکننده محیط؛
- آگاهی نسبت به پدیده زلزله به‌عنوان شایع‌ترین حادثه در کشور و راه‌های مقابله با آن؛

- میزان رعایت توصیه‌های ایمنی نهادهای متولی حوادث در کشور؛
- میزان عمل به قوانین مربوط به مقاوم‌سازی منزل مسکونی و محیط زندگی خود؛

- میزان تعامل با سازمان‌های امدادی متولی امر حوادث در کشور؛
- میزان مشارکت در کلاس‌های آموزش امداد و نجات در نهادهای مختلف؛
- ...

۵- رصد فرهنگ قانون‌پذیری در جامعه:

- سطح آگاهی به قوانین مدنی (حقوق مدنی)؛
- رعایت ضوابط اداری و «عام‌گرایی» (قانون‌پذیری) در عمل در مقابل «خاص‌گرایی» (قومیت‌گرایی)؛
- سطح پیگیری شکایات شخصی از طریق مجاری قانونی؛
- سطح نگرش مثبت به قانون؛
- اولویت‌بخشی به ضوابط قانونی به هنگام رجوع به دستگاه‌های رسمی و اداری؛

- فرهنگ پذیرش قوانین عمومی و مدنی و احترام به آنها؛
- سطح مشارکت در امر پژوهش و آموزش قوانین و مقررات همگانی؛
- فرهنگ تفسیر درست ضوابط و مقررات قانونی؛
- فرهنگ تقبیح و مبارزه با فساد اداری (پارتی‌بازی، ارتشا، اختلاس و ...).
- ...

۶- رصد فرهنگ وفاق و همبستگی اجتماعی در جامعه (سرمایه اجتماعی):
- سطح نظم‌پذیری و احترام به نظم اجتماعی؛

- میزان همدلی اجتماعی (توانایی درک خود در جایگاه دیگران)؛
- باور به وفاق و همدلی نسل‌ها؛
- میزان اعتماد و اطمینان به دیگران (اعتماد اجتماعی)؛
- سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی و قبول اقتضائات حق و تکلیف؛
- میزان توانایی مدیریت تضادها در تعاملات اجتماعی؛
- سطح توانمندی اجتماعی برای غلبه بر محرومیت و تبعیض؛
- توانایی برای هماهنگ کردن نیاز فردی با نیازهای اجتماعی؛
- ...

- ۷- رصد فرهنگ تعامل و آداب مدنی و انسانی در جامعه:
- سطح فردگرایی مثبت و احترام به نظر و مصالح جمع؛
- سطح نشاط و شادابی اجتماعی - فردی؛
- رعایت حقوق شرعی و عرفی اعضای جامعه و خانواده؛
- متانت در برخورد و معاشرت‌های عمومی؛
- فرهنگ مراقبت و دقت در پوشش و آرایش در محیط خانه و اجتماع و غیره؛
- ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی؛
- فرهنگ رعایت حریم شخصی و خصوصی دیگران؛
- فرهنگ مهمان‌داری و مهمان‌نوازی؛
- برخورداری از آداب معاشرت و دوستی و درک انتظارات متقابل اجتماعی؛
- اهتمام به تربیت اجتماعی فرزندان خود و تذکار دیگر بچه‌ها در محیط عمومی؛
- سطح توانمندی اجتماعی (توانایی برقراری ارتباط با هم‌نوعان و اثرگذاری مدبرانه)؛
- مدارای اجتماعی و پذیرش تنوع فرهنگی و ارزشی مثبت؛
- سطح احترام به معلولان و ناتوانان جسمی در جامعه؛
- روحیه تقدیر و قدرشناسی از هم‌نوعان؛

- فرهنگ احترام به برخی روحيات و اخلاقيات بومی و ملی مثبت و انسانی در جامعه؛

...

۸- رصد فرهنگ نظم پذیری و برنامه‌ریزی شخصی - مدنی:

- سطح نظم‌پذیری و برنامه‌ریزی در زندگی جهت بهره‌گیری از فرصت‌ها؛

- تعیین اهداف مشخص زندگی فردی و اجتماعی (هدف‌داری در زندگی)؛

- وقت‌شناسی و تنظیم فعالیت‌های روزمره (فرهنگ مدیریت زمان و ساعت)؛

- فرهنگ پایبندی به قول و قرارهای شخصی و رسمی؛

- بازرگری و بازراندیشی مستمر در مورد عملکردهای شخصی روزمره؛

- وفا به عهد و قراردادهای اجتماعی؛

- نظم‌پذیری و احترام به نظم اجتماع؛

- آینده‌نگری و پیش‌بینی؛

- اخلاق آموزش نظم‌پذیری به دیگران نزدیک و غیره؛

...

۹- رصد فرهنگ مشارکت در احداث بناها و مراکز فرهنگی اجتماعی با تأکید

بر:

- مشارکت در ساختن مدارس، فرهنگسراها، سینماها و سایر مراکز فرهنگی؛

- مشارکت در احداث کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی؛

- مشارکت در ساختن بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز درمانی؛

- مشارکت در تأسیس خوابگاه‌ها و خانه‌های سالمندان؛

- مشارکت در ساختن خوابگاه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی؛

...

۱۰- رصد سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و مشارکت در امور فرهنگی و هنری:

- فرهنگ مطالعه و کتابخوانی؛

- اخلاق اهدای کتاب به کتابخانه‌های عمومی؛
- فرهنگ استفاده بهینه از کتاب و منابع علمی عمومی؛
- فرهنگ روزنامه‌خوانی؛
- قرائت و مطالعه کتب دینی و ارزشی؛
- مشارکت در برگزاری مراسم و جشنواره‌های هنری؛
- سطح مراجعه و حضور در مکان‌های فرهنگی مانند سینما، تئاتر و غیره؛
- برنامه‌ریزی جهت استفاده از مراکز فرهنگی و هنری (موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و ...)
- سطح مطالعه ادبیات ایران و جهان؛
- اهتمام به آشنایی با فرهنگ‌های مختلف از طریق وسایل ارتباط جمعی؛
- شرکت و همکاری در مجالس نکوداشت مشاهیر و دانشمندان به منظور الگوسازی فرهنگی؛
- ...
- ۱۱- رصد فرهنگ بهداشت و سلامت در جامعه:
 - فرهنگ و اخلاق ارتباطی سازنده و سالم متقابل پزشک و بیمار؛
 - فرهنگ مصرف صحیح و بهینه دارو؛
 - استفاده بهینه و قانونمند از خدمات نهادهای درمانی مانند دفترچه‌های درمانی تأمین اجتماعی؛
 - تنظیم خانواده (فرهنگ زاد و ولد و برنامه‌ریزی خانوادگی)؛
 - آموزش و یادگیری روابط صحیح جنسی و زناشویی؛
 - فرهنگ تغذیه و نیاز غذایی؛
 - استفاده مناسب از امکانات پزشکی جامعه؛
 - انجام معاینات دوره‌ای پزشکی به منظور سنجش میزان سلامتی؛
 - آشنایی با کمک‌های اولیه و عمومی؛
 - آگاهی به بیماری‌های رایج در جامعه (هپاتیت، ایدز و ...)

- میزان همکاری داوطلبانه در طرح‌های بهداشتی عمومی؛
- سطح همکاری برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های همه‌گیر؛
- فرهنگ مشارکت در مبارزه با مواد مخدر؛
- فرهنگ اهتمام و احترام به برخی شیوه‌های راهگشا و کم‌هزینه طب سنتی؛
- ...

۱۲- رصد فرهنگ فراغت و ورزش در جامعه:

- چگونگی گذران و تنظیم برنامه‌های اوقات فراغت بر حسب زمان و مکان (فصول و محیط زندگی و ...)
- اعتقاد به ورزش به مثابه یک ضرورت در زندگی (حاکمیت اندیشه ابزاری بودن ورزش)؛
- اهتمام به شیوه‌های سالم‌سازی جسم و روان؛
- فرهنگ نرمش و ورزش‌های ساده و عمومی؛
- فرهنگ حفظ بازی‌ها و ورزش‌های سنتی و محلی؛
- فرهنگ اهتمام به بازی‌ها و ورزش‌های جمعی کهن و بومی؛
- سطح الگوسازی و الگوگیری شایسته در ورزش؛
- میزان مشارکت در اردوهای فرهنگی و ورزشی؛
- تنظیم برنامه برای به‌کارگیری ورزش در جهت تقویت روحیه آزادمنشی و وارستگی و تعالی انسانی؛
- فرهنگ مشارکت در تهیه ابزارها و وسایل بازی و امور سرگرم‌کننده برای کانون‌های فرهنگی؛
- سطح اهتمام به ورزش‌های کوهستانی، گردش‌های دسته‌جمعی، سرگرمی‌های سالم فکری؛
- سطح همکاری اجتماعی با مؤسسات و اماکن ورزشی در انجام بهتر فعالیت‌های ورزشی؛
- فرهنگ و برنامه‌ریزی تماشای مسابقات ورزشی؛

... -

- ۱۳- رصد فرهنگ مدیریت و رهبری فرهنگی و سیاسی با تأکید بر:
 - سطح شایسته‌سالاری و لیاقت‌محوری (تخصص‌گرایی)؛
 - تواضع و مردم‌خواهی (روابط متعالی بر مردم)؛
 - نگرش انسانی و اخلاقی به قدرت؛
 - طرد عناصر نالایق و کاهل؛
 - انضباط و حفظ بودجه و اموال عمومی (انضباط سیاسی)؛
 - دغدغه تأمین امنیت عمومی؛
 - بسط آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اجتناب از استبداد و اختناق؛
 - ناظر دانستن مردم و آیندگان بر رفتار خود؛
 - ساده‌زیستی و دوری از تجمل؛
 - نظم‌گرایی در عمل؛
 - معنویت‌گرایی در عمل (شخصیت‌الای اخلاقی)؛
 - پذیرش حقیقت و حقایق جامعه؛
 - دوری از افراد متملق و چاپلوس؛
 - دوری از کینه‌توزی و دشمنی؛
 - میزان همراهی با مردم؛
 - اعتقاد به مشورت و شورا در فعالیت‌ها؛
 - اعتقاد به حضور همه اقشار در فعالیت‌ها؛
 - اهتمام و اعتقاد به حضور و مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها؛
 - اعتقاد به آزادی انتقاد و انتقادپذیری؛
 - برخورداری از اخلاق مدیریت سیاسی نه قیومیت سیاسی؛
 - سطح اتکا بر اخلاق مسئولیت نه اخلاق قدرت؛

- عمل بر مبنای قانون؛

... -

۱۴- رصد فرهنگ شناخت، بینش و آگاهی سیاسی مردم با تأکید بر:

- سطح آگاهی و درک نمادها و علایم سیاسی ملی و بین‌المللی؛

- سطح آگاهی و دانش نسبت به قانون اساسی کشور و قوانین کلی نظام؛

- سطح آگاهی نسبت به تشکیلات، احزاب و گروه‌های سیاسی؛

- سطح آگاهی نسبت به مسئولان و سیاستمداران ملی و بین‌المللی؛

- سطح آگاهی از نظام‌های سیاسی موجود در جهان؛

- نوع تلقی از دولت-ملت؛

- سطح علاقه‌مندی سیاسی؛

- باور به کثرت‌گرایی سیاسی؛

- توانایی ارایه تحلیل نسبتاً منصفانه سیاسی؛

... -

۱۵- رصد فرهنگ نظارت و پاسخگویی سیاسی در جامعه با تأکید بر:

- اعتقاد و عمل پاسخگویی به مردم (باور به نظارت نهادهای مردمی)؛

- احترام به مردم و عقاید آنها؛

- تصور از خود به عنوان خادم و نماینده مردم؛

- ضابطه‌گرایی در عمل و پاسخ‌گویی؛

- مسئولیت‌پذیری و تعهد سیاسی؛

- آمادگی مستمر برای پاسخگویی به مردم و پذیرش رأی آنها؛

... -

۱۶- رصد فرهنگ وفاق و همبستگی سیاسی در جامعه با تأکید بر:

- سطح احساس همدلی و اعتماد سیاسی؛

- اعتقاد و عمل به گفتگوی سیاسی به جای تهدید و اقدام به خشونت؛

- مبارزه با تبعیض سیاسی و برابری همه در برابر قانون؛
- اجتناب از جناح‌گرایی و منافع‌طلبی شخصی و گروهی؛
- سطح احترام به مصالح سیاسی جمعی و نظرهای سیاسی عمومی؛
- اعتقاد و تفاخر به هویت ملی و سیاسی؛
- اعتقاد به ملی‌گرایی تعدیل‌یافته و غیرافراطی؛
- احساس یگانگی با دولت و حکومت؛
- ترجیح معقول منافع ملی بر منافع فردی؛
- ...

- ۱۷- رصد سطح مشارکت سیاسی عمومی در جامعه:
- باور به حق مشارکت و مداخله سیاسی؛
 - سطح مشارکت در انتخابات سیاسی - اجتماعی (نظیر ریاست جمهوری، مجلس، خبرگان و شوراهای ...)
 - عضویت و حضور در احزاب سیاسی؛
 - حضور و شرکت در جلسات و مباحث سیاسی روز؛
 - میزان آمادگی برای نظارت و کنترل بر فعالیت مسئولان؛
 - سطح آمادگی برای کاندیدا شدن در مسئولیت‌ها و نمایندگی‌های سیاسی؛
 - سطح کمک مالی و خدماتی به احزاب و نهادهای سیاسی مردمی؛
 - احساس توانمندی سیاسی در مقابل احساس بی‌قدرتی سیاسی؛
 - ...

۱۸- رصد سطح و گونه‌های اجتماعی شدن سیاسی در جامعه:

- آموزش و یادگیری مردم‌سالاری دینی؛
- فرهنگ رأی دادن و انتخاب کردن؛
- سطح احترام به شخصیت‌ها و مسئولان سیاسی؛
- آموزش انتقادپذیری و سؤال کردن سیاسی؛
- آموزش اعتقاد به تمایز و تخصصی شدن نقش‌های سیاسی؛

- احترام به نقش اندیشمندان و علما در تحولات اجتماعی؛
- باور به نقش مؤثر احزاب در جامعه؛
- اعتقاد به گردش نخبگان در فرایندهای سیاسی؛
- اعتقاد به تحرک اجتماعی و سیاسی؛
- سطح همگرایی تربیت رسمی و غیررسمی؛
- باور به مساوات و برابری؛
- ...

- ۱۹- رصد فرهنگ آزادی‌های سیاسی در جامعه با تأکید بر:
- باور به انتخاب آزاد؛
 - سطح آزادی بیان و آزادی در انتقاد؛
 - سطح آزادی در فعالیت مذهبی شخصی و گروهی؛
 - سطح آزادی احزاب و گروه‌ها؛
 - ...

۲-۳- بُعد ملی

ابعاد هویتی، تاریخی و عرفی هر فرهنگ در زیرمجموعه بعد ملی آن قرار می‌گیرند. در زیر مجموعه این بعد، شاخص‌های مورد رصد به قرار زیرند:

۱- رصد فرهنگ شناخت و اهتمام به هویت و نمادهای ملی و ایرانی در جامعه با تأکید بر:

- احترام به پرچم ملی کشور؛
- احترام و آشنایی با سرود ملی کشور؛
- شناخت، احترام و اهتمام به قومیت‌ها و زبان‌ها و لهجه‌های قومی؛
- احترام و اهتمام به خط و زبان ملی؛
- حس میهن‌دوستی و پاسداری از وطن؛
- ...

۲- سطح آگاهی و آشنایی با اماکن تاریخی و تمدنی ملی شامل:

- مراکز تمدنی ایرانی مانند تخت جمشید، بیستون و غیره؛

- آرامگاه‌ها و مقبره‌ها؛

- قصرها، قلعه‌ها و ارگ‌ها؛

- یادمان‌های جنگ تحمیلی؛

...

۳- رصد فرهنگ مطالعه و استناد به کتب اجتماعی - ادبی ملی معتبر و

شناخته‌شده در سطح دنیا با تأکید بر:

- شاهنامه فردوسی؛

- گلستان و بوستان سعدی؛

- مثنوی معنوی مولوی؛

- دیوان حافظ؛

...

۴- فرهنگ شناخت و احترام به افراد و شخصیت‌های فاخر ملی - ایرانی شامل:

- شعرا؛

- ادبا؛

- دانشمندان و عالمان؛

- فلاسفه؛

- عرفا؛

...

۵- رصد فرهنگ حفظ و احترام به ارزش‌های دفاع مقدس در جامعه با تأکید بر:

- شهادت و شهدا؛

- ایثار و از خود گذشتگی؛

- اسارت و آزادگی؛

- جانبازی؛

- حضور در جبهه؛

- فرهنگ جبهه؛

... -

۶- رصد فرهنگ شناخت و احترام به نمادهای دفاع مقدس از جمله:

- پرچم‌های فتح و پیروزی در جبهه؛

- پیشانی‌بندهای استمداد از ائمه معصومین علیهم‌السلام (مثال: یامهدی،

یا حسین و ...)

- سنگر؛

- پلاک و چفیه؛

- تصویر فرد بسیجی و پاسدار میهن؛

... -

۲-۴- بُعد عقلانی

ابعاد شناختی، مادی و تکنولوژیک هر فرهنگ نمایانگر سطح عقلانیت در آن فرهنگ است. در این بخش قابلیت‌های فرهنگ برای پذیرش علم و تکنولوژی در رفع نیازهای اولیه و اقتصادی جامعه مشخص می‌شوند. در ادامه شاخص‌های قابل رصد در این زمینه بیان می‌شوند.

۱- رصد فرهنگ شناخت و اخلاق علمی در جامعه با تأکید بر:

- اعتقاد به قابل شناخت و مطالعه بودن دنیا و محیط پیرامون؛

- اعتقاد به قابل کنترل و تغییر بودن دنیا و محیط پیرامون؛

- اعتقاد به علم و برنامه‌ریزی (روحیه علمی) در زندگی؛

- اعتقاد به مدیریت علمی و کارشناسانه جامعه؛

- سطح عام‌گرایی (توجه به معیارهای عام مانند: علم، قانون و ...) در

کنش‌های روزمره؛

- میزان اعتقاد به تفکر خلاق در جامعه؛
- سطح آینده‌نگری (پاسداری از آینده)؛
- سطح آگاهی از نیروهایی که دنیای جدید و توسعه را می‌سازد؛
- سطح تولیدات علمی و پژوهشی فرد (اعتقاد عملی به علم)؛
- میزان مطالعه تخصصی در میان مردم؛
- ...

۲- رصد فرهنگ نوآوری و خلاقیت در میان مردم:

- آمادگی و زمینه‌سازی برای تغییرات در محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی؛
- روحیه اختراع و ابتکار؛
- روحیه کارآفرینی و کارگردانی؛
- روحیه تغییر و پویایی (سطح نوپذیری اجتماعی)؛
- انگیزه پیشرفت و انگیزه نیاز به موفقیت^۱؛
- سطح ابتکارات فردی و افتخارات علمی کسب‌شده؛
- اعتقاد به ابتکار و نوآوری‌های اجتماعی بر پایه اصول سنت‌ها و ملاک‌های فرهنگ خودی؛
- ...

۳- رصد سطح فرهنگ آموزش، پژوهش و نگارش در جامعه:

- روحیه و اخلاق کاوشگری و پژوهش؛
- اخلاق تقدیر و قدردانی از پژوهشگران نمونه؛
- اخلاق همکاری با پژوهشگران و کارشناسان تحقیقاتی؛
- اخلاق تعلیم و آموزش بر استناد پژوهش و یافته‌های علمی؛
- فرهنگ دقت و تعهد در آموزش و تدریس؛

- رابطه درست اخلاقی و انسانی معلم - شاگرد، استاد - دانشجو و غیره؛
- اخلاق اهتمام و احترام به نظرهای دیگران؛
- فرهنگ خلاقیت در روش‌های تدریس و پژوهش؛
- فرهنگ احترام به نظرهای مردم در میان کارشناسان و مجریان؛
- فرهنگ صداقت و صراحت در بیان و تشریح حوادث و وقایع؛
- فرهنگ نگارش و تألیف؛
- فرهنگ نگارش صحیح متکی بر اصول علمی و شرعی؛
- اخلاق استفاده درست و علمی از منابع با ذکر مراجع (برداشت علمی)؛
- اخلاق ترجمه و برگردان درست یک زبان به زبان دیگر؛
- اخلاق نقد و انتقاد علمی (انتقادپذیری)؛
- ...

۴- رصد فرهنگ هنر و ذوق هنری :

- سطح گرایش به هنرهای تجسمی؛
- سطح گرایش به هنرهای نمایشی؛
- باور به هنر و سازندگی روحی و روانی آن در زندگی؛
- باور به هنر در خدمت روابط و تعاملات اجتماعی مطلوب؛
- سطح شناخت و عمل به موازین و معیارهای هنر اسلامی و ملی؛
- ...

۵- رصد فرهنگ توسعه فنی و استفاده بهینه از فن‌آوری در جامعه:

- اعتقاد به فن‌آوری در خدمت انسان؛
- اعتقاد و به‌کارگیری فن‌آوری غیرمخرب و غیرآلاینده (فن‌آوری تمیز)؛
- به‌کارگیری فن‌آوری غیرخشن و انسانی (فن‌آوری متوسط)؛
- اعتقاد و استخدام فن‌آوری ساده و غیرتجملی (فن‌آوری ارزان)؛
- اعتقاد به فن‌آوری به مثابه عامل پیشرفت جامعه؛

...

- ۶- رصد فرهنگ مصرف در جامعه با تأکید بر:
 - برخورداری از الگوی مصرف سالم و بهینه؛
 - سطح دوری از اسراف و تبذیر؛
 - سطح دوری از تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی؛
 - اعتقاد به فرهنگ قناعت، صرفه‌جویی و پس‌انداز؛
 - توجه به فرهنگ صرفه‌جویی در مصرف کالاها و امکانات عمومی و دولتی؛
 - اولویت‌بخشی به مصرف کالاهای ضروری و دوری از مصرف کاذب و تظاهری؛
 - فرهنگ مصرف بهینه انرژی (نفت و گاز و ...).

...

- ۷- رصد فرهنگ و اخلاق کار در جامعه:
 - آشنایی با قوانین و مقررات مربوط به کار؛
 - فرهنگ سختکوشی و فعالیت؛
 - برخورداری از اخلاق کار گروهی؛
 - وجدان کار؛
 - تأکید بر خلاقیت در کار؛
 - انضباط و مسئولیت‌پذیری در استفاده از ابزار و وسایل محیط کار؛
 - فرهنگ تلقی از کار به مثابه وظیفه اجتماعی و انسانی (کار برای رضای خدا و خدمت به هم‌نوع)؛
 - فرهنگ ارتباط سالم با همکاران در محیط کار؛
 - تلقی از کار به مثابه عامل رفاه اجتماعی و رشد شخصیت اجتماعی؛
 - رقابت سالم در محیط کار؛
 - سطح اهتمام به بهداشت کار؛

- پرهیز از تجسس و دخالت‌های نادرست و غیرضروری در کار دیگران؛
- فرهنگ نظم و وقت‌شناسی در ورود و خروج از محل کار؛
- عملکرد براساس موازین قانونی و اخلاقی؛
- ...

- ۸- رصد فرهنگ انطباق‌پذیری با محیط و طبیعت در جامعه با تأکید بر:
 - فرهنگ حفظ محیط زیست (باور زیست محیطی)؛
 - فرهنگ استفاده بهینه از منابع طبیعی عام‌المنفعه مانند جنگل‌ها، مراتع و غیره؛
 - مشارکت و همکاری با نهادهای حافظ محیط زیست؛
 - فرهنگ جلوگیری از آلودگی‌های متعدد در محیط زندگی (آلودگی تصویری، آلودگی صوتی، آلودگی هوا و ...)
 - توجه به محیط به عنوان منبع رفع نیازهای بشری؛
 - فرهنگ استفاده بهینه از کالاها و انرژی غیرقابل تجدید در زندگی (با توجه به آینده و نسل‌های بعدی)؛
 - فرهنگ احترام به طبیعت و ارتباط با آن (بهره‌برداری)؛
 - فرهنگ حفظ و اهتمام به آثار تاریخی به جای مانده از دوران گذشته؛
 - ...

- ۹- فرهنگ مشارکت اقتصادی عمومی در جامعه:
 - مشارکت با دولت (خرید اوراق قرضه و ...)
 - فرهنگ پس‌انداز؛
 - توجه به امور تعاونی و همیاری در فعالیت‌های اقتصادی؛
 - توجه به سطح کارآفرینی اقتصادی (کارگردانی اقتصادی) در میان مردم و اعتقاد به آن؛
 - استفاده بهینه از کالاهای عمومی و خدمات ضروری و عام‌المنفعه مانند آب، برق، تلفن، گاز، نفت و ... (انضباط اقتصادی)؛

- مشارکت در امور اقتصادی بیشتر تولیدی و کمتر خدماتی؛
- فرهنگ و اهتمام به پرداخت مالیات‌ها و عوارض قانونی (فرهنگ مالیاتی)؛
- فرهنگ سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه و جمعی؛
- سطح احترام و توجه به همیاری‌های سنتی و بومی در فرهنگ ایرانی؛
- ...

- ۱۰- رصد فرهنگ تولید و بهره‌وری در جامعه با تأکید بر:
 - فرهنگ احیای منابع متروک و بلااستفاده اعم از زمین، معدن و غیره؛
 - اعتقاد به تولید ثروت برای رونق اقتصادی جامعه؛
 - تعدیل سود شخصی در کنار نفع جمعی؛
 - دوری از رباخواری و اعتقاد به تعدیل بهره؛
 - اعتقاد به مالکیت؛
 - اعتقاد به تعدیل ثروت؛
 - علاقمندی به ابداع روش‌های جدید تولید؛
 - فرهنگ تولید محصولات ضروری (ارجحیت تولید)؛
 - فرهنگ افزایش کیفیت در کالاهای تولیدی و دوری از تقلب در تولید؛
 - فرهنگ بسته‌بندی محصولات متناسب با ارزش‌ها، اخلاق جامعه و استانداردهای جهانی؛
 - سطح اهتمام به سیاست‌های تولیدی ملی و جهانی؛
 - ...

- ۱۱- رصد فرهنگ اشتغال و فعالیت اقتصادی در میان مردم با تأکید بر:
 - باور به معاش سالم و آبرومند؛
 - دوری از مشاغل کاذب؛
 - اهتمام به کارآفرینی حرفه‌ای؛
 - دوری از احتکار شغل (چندشغله بودن)؛

- سطح رضایت از شغل؛
- اعتقاد به تخصص‌گرایی در مشاغل و جایگاه‌ها؛
- اعتقاد به آزادی در انتخاب شغل؛
- تشویق به کار و تلاش اقتصادی؛
- سطح علاقمندی و توجه به مشاغل موجه و تولیدی خصوصی و فارغ از دولت؛
- اشتغال‌زایی؛
- ...

- ۱۲- رصد فرهنگ توزیع کالاها و خدمات در جامعه:
- مبارزه با احتکار (کالا و مسکن و ...)
- مبارزه با رانت‌خواری؛
- مبارزه با اخلاق واسطه‌گری؛
- مبارزه با گران‌فروشی (اعتراض، شکایت و ...)
- انصاف در فروش محصولات؛
- مشارکت در نظارت بر قیمت‌ها؛
- اخلاق تبلیغات سالم و غیر کاذب در حوزه نام‌گذاری کالاها و توزیع؛
- اخلاق مبادله و انصاف در معاملات
- ...

گفتار سوم

نتیجه گیری

SCCrim

در سال‌های اخیر موضوع «رصد فرهنگی» از اهداف و برنامه‌های مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و در گفتارهای مسئولان فرهنگی کشور و برخی مطالعات پژوهشی پیگیری شده است. نوشتار حاضر نیز با هدف طرح، تعریف، تحدید و ترسیم ابعاد مفهوم رصد فرهنگی با استناد به مجموعه تعاریف موجود در گفتارهای مسئولان و پژوهش‌های علمی انجام شده است.^۱

با استناد به مجموعه مباحث نوشتار، لفظ «رصد» به سه معنا به کار برده شده است: نظارت، پایش و تحلیل. برای «فرهنگ» نیز تعاریف مختلفی در دست است. تعریف نهایی در این نوشتار این است که فرهنگ، مجموعه باورها، آرمان‌ها و قواعد نهادینه ناظر بر چگونه زیستن انسان‌ها می‌باشد؛ فرهنگ مجموعه معانی و تفاسیر مشترک منضم و تنیده در کردارها و دست‌ساخته‌های انسانی است؛ فرهنگ، معانی اجتماعی (یعنی معانی پاگرفته، بالیده و تطوّر یافته در اجتماع) کردارهای انسانی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی است. در این تعریف، روش، معانی و نهادینگی، عناصر و وجوه ممیزه امر فرهنگی از سایر حوزه‌ها است.

اگر تعاریف صورت‌گرفته از «رصد» را با تعاریف «فرهنگ» ترکیب کنیم، مضامین و معناهای زیر (برای رصد فرهنگی) به‌دست خواهند آمد:

- پایش و ارزیابی مستمر پدیده‌ها، ساختارها (سازمان‌ها و نهادها) و رفتارهای فرهنگی (به‌ویژه مواردی که به‌عنوان مسئله فرهنگی تلقی می‌شوند)؛
- دیده‌بانی و نظارت معطوف به کنترل در حوزه‌های رفتاری، سازمانی و هنجاری فرهنگ؛

- کاوش و تحلیل زوایای پنهان جریان‌های فرهنگی به همراه تبیین روند سمت‌گیری‌های ارزشی، احساسی، گرایشی و رفتاری در جامعه.

تعاریف فوق بیشتر منطقی روش‌شناختی به فرهنگ و رصد فرهنگی دارند و باید با رویکرد معناشناسی (مقوله‌های محتوایی فرهنگ) نیز رصد را تعریف کنیم.

۱- اختصار مطالب نشان می‌دهد که تفصیل و تشریح نظرات و دیدگاه‌ها مراد نبوده است بلکه تلخیص و تجمیع آنها تا رسیدن به نظری واحد مطرح نظر بوده است.

از نظر محتوایی و نظری، رصد فرهنگی ناظر بر شناخت، مقوله‌بندی و تعریف ابعاد چندگانه فرهنگ به قرار زیر است:

- ۱- بعد هویتی فرهنگ که رفتارهای ارزشی، گرایشی، دینی و تاریخی یک جامعه را نشان می‌دهند؛
- ۲- بعد معرفتی و فن‌آورانه فرهنگ که از نحوه نگرش یک جامعه به علم، تکنولوژی و دست‌افزارهای صنعتی و مادی حکایت می‌کند؛
- ۳- ابعاد مدنی فرهنگ که بازنمای سطوح روابط اجتماعی، هنجارها و قواعد حاکم بر زیستن جمعی انسان‌ها می‌باشد؛
- ۴- ابعاد عقلانی فرهنگ که نشانگر نگرش جامعه به دنیا، لذت‌ها و سختی‌های آن در زندگی روزمره و به‌طور کلی روح حاکم بر کنش‌های اقتصادی و سیاسی روزانه است.

این دسته‌بندی از مفهوم فرهنگ، بر امر شاخص‌شناسی رصد فرهنگی در این نوشتار حاکم بوده است. امید است با این نگرش و البته تصحیح نقیصه‌های آن، امر ارزیابی و ارتقای شاخص‌های فرهنگی در کشور مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

SCCR:ii

منابع و مأخذ

SCCcrini

الف) منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی و همکاران. (۱۳۷۹). *آینده نگری، مردم تهران، نگرانی‌ها و آینده*. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- آشنا، حسام الدین. (۱۳۸۲). *مصاحبه در مورد رصد فرهنگی، گزارش درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور*. دفتر مطالعات فرهنگی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۱۰/۱۵.

- آشوری، داریوش. (۱۳۵۷). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

- استریناتی د. و سایر نویسندگان. (۱۳۷۹). *مدرنیته و مدرنیسم*. تدوین حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات نقش جهان.

- اکبری جدی،... (۱۳۸۱). *ارزیابی وضعیت فرهنگ دینی در کشور*. مصاحبه در گزارش ارزیابی استراتژیک توسعه فرهنگی، مستندات برنامه چهارم. دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- الویری، محسن. (۱۳۸۲). *مصاحبه در مورد رصد فرهنگی*. در: گزارش درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور، دفتر مطالعات فرهنگی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۱۱/۶.

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۹). *نوسازی و پسانوسازی*. ترجمه علی مرتضویان. فصلنامه ارغنون، ش ۱۳.

- براون، لستر و همکاران. (۱۳۷۰). *وضعیت جهان*. ترجمه حمید طراوتی. تهران: نشر ژرف.

- بل، دانیل. (۱۳۸۰). *دین و فرهنگ در جامعه پسا صنعتی*. ترجمه مهسا کرم‌پور.

- فصلنامه ارغنون، ش ۱۸.
- بوردیو، پی.یر. (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عمل و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- پایا، علی. (۱۳۸۲). ملاحظاتی شتابزده در باب معرفت‌شناسی آینده‌اندیشی. مجموعه مقالات کارگاه آینده‌اندیشی، تهران، دی ماه، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- پستم، نیل. (۱۳۷۲). تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی. چاپ اول. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: انتشارات سروش.
- پستم، نیل. (۱۳۷۸). زندگی در عیش، مردن در خوشی. چاپ سوم. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پستم، نیل. (۱۳۸۱). تکنوپولی. چاپ سوم. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات اطلاعات.
- تافلر، الوین. (۱۳۷۰). ورق‌های آینده. چاپ دوم. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات البرز.
- تافلر، الوین. (۱۳۷۸). شوک آینده. چاپ اول. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر نو.
- تامپسون، جان ب. (۱۳۷۸). ایدئولوژی و فرهنگ مدرن. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۰). مسائل و چشم‌اندازهای فرهنگ. در کتاب «واژه‌شناسی فرهنگ، تهران». سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- تهرانیان، مجید. (۱۳۵۳). تنگناهای اجتماعی توسعه ملی ایران: چارچوب یک طرح پژوهشی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جیمسون، فردریک. (۱۳۷۹). منطق فرهنگی سرمایه‌داری متاخر. ترجمه مجید

- محمدی، فرهنگ رجائی و فاطمه گیوه‌چیان. تهران: نشر هرمس.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۳). **چالش‌های دینی و فرهنگی فراروی جامعه ایران در قرن ۲۱**. در: ایران در قرن بیست و یک. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۴). بیانات به مناسبت نخستین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی (اولین سمینار بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام) ۱۳۶۴/۹/۱۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۵). بیانات به مناسبت دومین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی (دومین سمینار بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام) ۱۳۶۵/۹/۱۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۷). بیانات به مناسبت چهارمین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی (سمینار ارتقای فرهنگی و باز سازی) ۱۳۶۷/۹/۲۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۶۸/۹/۲۱.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۶۹/۹/۱۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۱/۹/۱۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۲). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۲/۹/۲۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۳/۹/۲۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

- ۷۴/۹/۲۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۷۵/۹/۲۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۷۶/۱۱/۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۷۷/۱۰/۱۵.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب
فرهنگی ۷۸/۹/۲۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۷۹/۹/۱۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹). بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب
فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۲۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳۸۰/۹/۱۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۸۳/۱۰/۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۸۴/۱۰/۱۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳۸۶/۹/۱۷.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۰). بیانات در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی
۱۳۶۰/۳/۲۳.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۳). فرمان تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳۶۳/۹/۱۹.

- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۲). بیانات در دیدار با نخست وزیر و اعضای جدید ستاد انقلاب فرهنگی ۱۳۶۲/۷/۱۲.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۹). صحیفه نور.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۷۶). آینده‌نگری و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش.
- دوپوئی، گزایوه. (۱۳۷۴). فرهنگ و توسعه. ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالمجید زرین‌قلم. تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. چاپ اول از دوره جدید. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوعلم، علی. (۱۳۸۱). ارزیابی وضعیت فرهنگ دینی (تبلیغات و فعالیت‌های دینی) در کشور. مصاحبه در گزارش ارزیابی استراتژیک توسعه فرهنگی، مستندات برنامه چهارم. دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۱/۱۱/۲.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۷۴). المفردات فی غریب القرآن. چاپ دوم. ترجمه و تحقیق سید غلامرضا خسروی حسینی. ج ۲. تهران: چاپ مرتضوی.
- رجب زاده، احمد. (۱۳۷۸). طرح ملی بررسی فعالیت‌ها و مصرف کالاهای فرهنگی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رسول، حسین‌علی. (۱۳۷۹). اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر آن.
- رضایی، محسن. (۱۳۸۰). سرمشقی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: ملیکا.
- سازمان تبلیغات اسلامی. اصول و سیاست‌های سازمان تبلیغات اسلامی.
- سعید، بابی. (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- شورای عالی انقلاب فرهنگی. اصول و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی).
- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. اصول و سیاست‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- طباطبایی یزدی، رویا. (۱۳۸۰). آینده‌نگری از رهگذر شاخص‌های استراتژیک. نشریه راهبرد، شماره نوزده، بهار.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۲). دو جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان. در مجموعه مقالات کارگاه آینده اندیشی. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- عباسی، حسن. (۱۳۸۳). مصاحبه در مورد رصد فرهنگی. در: گزارش درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور، دفتر مطالعات فرهنگی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۳/۳.
- عظیمی آرانی، حسین. (۱۳۸۳). تمدن ایران: بحران امروز و هویت فردا. در: ایران در قرن بیست و یک. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- فیرحی، داوود. (۱۳۸۳). چشم‌انداز فرهنگ دینی در قرن ۲۱: چالش‌های دینی و فرهنگی فراروی جامعه ایران در قرن ۲۱. در: ایران در قرن بیست و یک. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- قرآن کریم. ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر معارف اسلامی.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۵۲). قاموس قرآن. جلد سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کی‌نژاد، محمدعلی. (۱۳۸۷). مصاحبه در باره رصد فرهنگی. نشریه دو هفته‌نامه مهندسی فرهنگی، قسمت اول.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). **تجدد و تشخص**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). **مقدمه‌ای بر تحلیل نهادین مدرنیته**. در: مدرنیته و مدرنیسم. ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات نقش جهان.
- لش، اسکات. (۱۳۷۹). **پست مدرنیسم یا مدرنیسم**. ترجمه فاطمه گیوه‌چیان. در: منطق فرهنگی سرمایه‌داری متاخر، جمعی از نویسندگان. ترجمه مجید محمدی، فاطمه گیوه‌چیان و فرهنگ رجائی. تهران: نشر هرمس.
- مارکوزه، هربرت. (۱۳۶۲). **انسان تک‌ساحتی**. چاپ سوم. ترجمه محسن مؤیدی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مالدینوفسکی، برونیسلاو. (۱۳۷۹). **نظریه علمی درباره فرهنگ**. ترجمه عبدالمجید زرین‌قلم. تهران: انتشارات گام نو.
- محمدیان، بهرام. (۱۳۸۲). **مصاحبه در مورد رصد فرهنگی**. در: گزارش درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور، دفتر مطالعات فرهنگی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۱۲/۳.
- مخبر دزفولی، محمدرضا. (۱۳۸۶). **ضرورت رصد فرهنگی**. در خلاصه مقالات همایش مهندسی فرهنگی، در: سایت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). **جهانی شدن فمینیسم: چالش‌ها و فرصت‌ها**. در: ایران در قرن بیست و یک. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). **شرح مبسوط منظومه**. جلد چهارم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). **انسان و ایمان**. تهران: انتشارات صدرا.
- معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد. (۱۳۸۰). **مبانی نظری طرح سامان‌دهی فرهنگی**. جلد ۱. طرح سامان‌دهی امور فرهنگی. معاونت امور فرهنگی،

- آموزش و پژوهش، خرداد.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). مصاحبه در مورد رصد فرهنگی. در: گزارش درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور. دفتر مطالعات فرهنگی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۴/۲۴.
- معین، محمد. (۱۳۷۷). لغت نامه. با کوشش سید جعفر شهیدی. تهران: نشر موسسه لغت نامه دهخدا.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۳). معنویت و هویت در قرن ۲۱. در: ایران در قرن بیست و یک. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نالینو، کارلو آلفونسو. (۱۳۴۹). تاریخ نجوم اسلامی. ترجمه احمد آرام. تهران: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی.
- نبوی، سیدعباس. (۱۳۸۲). مصاحبه در مورد رصد فرهنگی. در: گزارش درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور. دفتر مطالعات فرهنگی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۱۰/۸.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اصول و سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هابسون، جان. (۱۳۷۸). ریشه‌های شرقی تمدن غرب. ترجمه مسعود رجیبی و موسی عنبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هورکهایمر، ماکس و آدرنو، تئودور. (۱۳۸۰). صنعت فرهنگ‌سازی. ترجمه مراد فرهادپور. فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸، پائیز.
- یونسکو. (۱۳۷۵). فرهنگ و توسعه (رهیافت مردم‌شناختی توسعه). ترجمه نعمت الله اسلامی و محمد فاضلی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- یونسکو. (۱۳۷۸). گزارش جهانی فرهنگ {۱۹۹۸}. تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

- یونسکو. (۱۳۸۱). گزارش جهانی فرهنگ {۲۰۰۰}. تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

ب) منابع انگلیسی

- Amin, S. (1987). *Eurocentrism*. Zed Book Press.
- Bauman Z. (1992). *Intimiation of Postmodernity*. London: Routledge.
- Bauman Z. (1995). *Life in Fragments: Essays in Postmodern Mortality*. Oxford: Blackwell pub. LTD.
- Beck U. (1992). *Risk Society: Toward a New Modernity*. London: SAGE Pub.
- Beck U. (1999). *World Risk Society*. U.S.A. Blackwell pub. LTD, Polity Press.
- Bennet, Tony (2000). *Acting on the Social*. The American Behavioral Scientist. Jun/jul, SAGE Pub.
- Buaman, Z. (1996). *Morality in the Age of Contingency*. Detraditionalization, Heelas, Lash and Morris (eds.), Oxford, Blackwell Pub.
- Foucault, M. (1980). *Power/ Knowledge*. U.S.A. Harvester Press. (Pantheon Books).
- Geertz, Clifford (1993). *The Interpretation of cultures*. New York: Basic Books.
- Inghelhart R. (2000). *Modernization, Change, and the Persistence of Traditional Values*. American sociological Review. Vol. 65, Feb.
- Inghelhart R. (2000). *Modernization and Social Change....ASR*. Vol. 65 Feb. pp. 19-52.
- Lyotard F. J. (1980). *The Postmodern Condition: A Report on Knowledge*. Trans. By G. Masumi. University Minnesota Press.
- Portes, A. & Kincaid, A. D. (1999). *Sociology and Development in the 1990s: Critical Challenges and Empirical Trends*. Sociological Forum. vol. A, No. 4, pp. 79- 503.
- Said, E (1993). *Culture and Imperialism*. London: Chatto & Windus Ltd. Perss.

- Sayer A. (1998). *Critical and Uncritical Cultural Turn*. U.K. sociology department, Lancaster. Sep.
- Sayer A., Ray. L. and et al (O'Neill, j. and Frazer, N. and ...) (1999). *Culture and Economy after Cultural Turn*. SAGE Pub.
- <http://www.mohandesifarhangi.com/maghalat.aspx>

SCCRi!

SCCcr:ii